

**An Introduction to Explaining the Method and Process of Developing
Islamic Economics Theory (The process of Crossing Theoretical
Foundations into Operational Patterns)**

Hossein Eivazlou*

Received: 14/07/2018

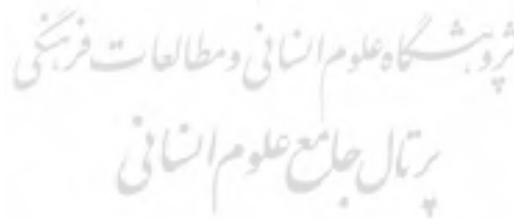
Accepted: 10/09/2018

Abstract

For achieving on best results of Islamic Economics in Practice, we need the best method. This method is different from methods that verify Islamic Economic Doctrine in Theory. According to this approach, we need to develop the theories that depend on contextual issues. The main idea of this article is that Islamic Economics could be adapted to real economy in our period of time. This study proposes a hybrid method that consists of macro approach to economic Fiqhi issues, analytical approach to economic systems and also the structure of Scientific Research Programs (SRP) of Lakatos. In this article we discuss about the macro policies that are necessary for adapting foundations of Islamic Economics doctrines from individual shariah duties towards shariah obligations for decision makers of governmental institutions. Fortunately and recently we observe new paradigm changing in fiqhi issues such as: theoretical fiqh and governmental fiqh. And also this article proposes the process of developing theory from Islamic economic foundations to practical models.

Keywords

Islamic Economic System, Hybrid Method of Islamic Economics, Islamic Monetary and Banking System, the Process of Theorizing Islamic Economics.
JEL Classification: C54, F53, E52, E61.



* Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. ayvazlou@isu.ac.ir

مقدمه‌ای در تبیین روش و فرآیند توسعه نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی (فرآیند عبور از مبانی نظری به الگوهای عملیاتی)

حسین عیوضلو*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۴ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

چکیده

اقتصاد اسلامی برای اجرایی شدن نیاز به بهره‌برداری از روش‌های نظریه‌پردازی در عرصه نظام‌سازی اقتصادی دارد. این مقاله برای همین منظور نگاشته شده و در آن فرآیند توسعه نظریه‌پردازی در چارچوب اقتصاد اسلامی مورد بحث و بررسی واقع می‌شود.

در این مقاله روش ویژه‌ای برای بسط و توسعه نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی پیشنهاد شده که ترکیبی است از روش‌های فقهی کلان‌نگر و روش‌های متعارف تحلیل موضوعات اقتصادی، همچنین براساس همین روش ترکیبی فرآیند عبور از مبانی به الگوهای عملیاتی قابل اجرا معرفی شده و مراحل مشخصی پیشنهاد گردیده است.

نظام‌سازی اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران که در سال‌های اخیر با عنوان «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» مطرح شده، خود زمینه مناسبی برای بررسی و آزمون این مسأله است. از این‌رو، روش‌ها و فرآیندهای به‌کار گرفته شده در این مقاله می‌تواند برای اجرایی کردن اهداف این نظام مورد استفاده واقع شود. طرح نظام جمهوری اسلامی ایران خود مبتنی بر این اندیشه است که اصول و موازین ثابت اسلام در همه عرصه‌ها قابلیت تطبیق و تعمیم دارد. البته شکی نیست که برحسب مقتضیات زمان و مکان امکان تغییر در راهبردها و شیوه‌های اجرایی و نحوه عمل وجود دارد.

واژگان کلیدی

نظام‌سازی اقتصاد اسلامی، روش ترکیبی نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی، نظام پولی و بانکی اسلامی، مراحل نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: C54, F53, E52, E61.

* دانشیار گروه اقتصاد سیاسی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
ayvazlou@isu.ac.ir

مسأله تحقیق

سخن گفتن از الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی در دهه چهارم استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، هم نشان از بالندگی و مسیر رو به پیشرفت این نظام دارد و هم حکایت‌گر برخی خلاءهای جدی در مسیر تکاملی این نظام است. دهه‌های اول انقلاب با محوریت نفی طاغوت و مظاهر فساد همراه بود که دارای مقبولیت و پذیرش همگانی است. اما دهه‌های بعد به‌عنوان برداشتن گام‌هایی برای تثبیت نظام جمهوری اسلامی شناخته می‌شود. تثبیت نظام نیازمند معرفی ابعاد ایجابی این نظام است.

نکته مهم این است که در طی چهل سال تجربه نظام جمهوری اسلامی ایران به تدریج استناد به «اقتصاد اسلامی» رنگ باخته و کمتر مورد توجه واقع شده است. یکی از علل اصلی کم‌اقبالی به این مهم، ضعف در روشمندی گام‌هایی است که به اقتصاد اسلامی نسبت داده شده است. در بسیاری از الگوهایی که در این دوره مطرح شده می‌توان مشکلات روش‌شناسانه جدی را ملاحظه نمود که ناشی از عدم ارائه تصویر روشنی از چارچوب‌های نظریه‌پردازی معتبر در حوزه اقتصاد اسلامی است. یکی از این موارد، تکیه به الگوی عملیات بانکداری بدون ربا در چارچوب قانون عملیات بانکداری بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ بوده است که ضعف عمده آن خلاء روش‌شناسی و عدم جامعیت آن به‌علت جزئی‌نگری در طراحی الگو بوده است.

الگوی اسلامی ایرانی در عرصه اقتصاد در هر حال متکی به اقتصاد اسلامی است. نمی‌توان از الگوی اسلامی ایرانی سخن گفت اما از معنای جامع و دقیق و علمی اقتصاد اسلامی غافل بود. الگو مبتنی بر نظریه است و لذا الگوی اسلامی ایرانی در عرصه اقتصاد قائم بر نظریه اسلامی اقتصادی است و این نظریه اسلامی از دل مجموعه دانشی در عرصه اقتصاد اسلامی حاصل می‌شود. ارائه الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی در چارچوب مبانی مفهومی و الگوی نظری اقتصاد اسلامی میسر است که براساس آن می‌توان مسیر پیشرفت و تکامل نظام جمهوری اسلامی ایران را نیز رصد نمود. اما باید توجه داشت که در طی این چهار دهه قدری در حق اقتصاد اسلامی و ماهیت نظری و چارچوب نهادی آن کم‌توجهی شده و تبیین لازم در این خصوص انجام نشده است. این مهم در ادبیات نظری به‌عنوان چارچوب نهادی و هسته سخت نظریه معرفی شده است و در این مقاله سعی

شده ضمن توجه به این جنبه و به منظور تلاشی برای رفع نواقصی که اشاره شد، فرآیند حرکت از مبانی به نظریه و الگو و توجه به الزامات و مقتضیات زمان و مکان در عرصه نظریه پردازی و تدوین نظریه به نحو اجمال و با تأکید بر جنبه‌های روش‌شناسی آن توضیح داده شود.

مسائل مهم این تحقیق تبیین موارد ذیل است:

۱. مواجهه با نظامات اجتماعی و اقتصادی امروز برای دستیابی به الگوی اسلامی در چه نوع بستر تحلیلی و ساختار نظری امکان رشد و پیش‌روی نظری و تجربی دارد و تحقق این مهم با چه الزاماتی مواجه است؟
۲. روش‌شناسی نظام‌سازی و نهادسازی اقتصاد اسلامی و ساختار نظریه‌های اقتصاد اسلامی با کدامیک از قالب‌های روش‌شناسی اسلامی و متعارف قابل تبیین و گسترش است؟
۳. فرآیند و مراحل اجرایی نظریه‌پردازی برای نظام‌سازی و نهادسازی اقتصاد اسلامی چگونه است؟

۱. پیشینه تحقیق

نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی اغلب در حد کشف خطوط کلی مکتب و نظام اقتصاد اسلامی بوده است و اغلب نوشته‌ها در این خصوص به دنبال ترسیم وضع مطلوب و ایده‌آل مورد نظر اسلام بوده‌اند. البته نیل به این هدف به راحتی و از طریق فقه متعارف میسر نبوده است و مجموعه نوشته‌ها در این باب^۱ خود گواه این حقیقت هستند که نمی‌توان با نگاه جزءنگر و از طریق برشمردن احکام و موازین اسلامی در باب معاملات و رفتارهای اقتصادی به نظریه مدون در خصوص اقتصاد اسلامی دست یافت. در دهه اخیر با مشخص شدن خلاء نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی کاوش‌های خوبی که به‌طور عمده حول بحث و بررسی فقه نظریه شهید صدر و ضرورت دستیابی به فقه حکومتی در حوزه اقتصاد احساس می‌شد، نوشته‌های بسیار ارزشمندی در تشریح ابعاد فقه نظریه به نگارش درآمده و یا در کرسی‌های نظریه‌پردازی به بحث گذاشته شده است. در این باب می‌توان به نوشته‌های (غفوری، ۱۴۲۱ق)، (آقانظری و خطیبی، ۱۳۹۲)؛ (سعدی،

۱۳۹۵؛ (میرباقری، ۱۳۹۵)؛ (یوسفی، ۱۳۸۵)؛ (عیوضلو، ۱۳۸۷) و (عیوضلو، ۱۳۹۷) اشاره کرد که ضمن تبیین این موضوع، در عین حال حجیت این نوع روش‌ها هم به بحث گذاشته شده است. واضح است این نوع پژوهش‌ها راه را برای گسترش نظریه‌پردازی در عرصه اقتصاد اسلامی باز کرده و ضمن شناسایی برخی آسیب‌ها توانسته‌اند راه‌های توسعه این نوع نظریه‌ها را براساس استنباطات فقهی توضیح دهند. نقیصه مهم این نوع آثار و نوشته‌ها کم‌توجهی به روش‌های متعارف نظریه‌پردازی در اقتصاد متعارف و همچنین الزامات نظریه‌پردازی در عرصه نظام‌سازی اقتصاد است که قابلیت تطبیق با شرایط و مقتضیات زمان و مکان در عصر حاضر را داشته باشد. نظریه اقتصاد اسلامی لازم است در عین برخورداری از استحکام نظری و انطباق با اصول و موازین شرعی بتواند گره‌گشای مسائل اقتصادی امروز باشد. به همین جهت در این مقاله با بهره‌گیری از روش‌شناسی ترکیبی امکان عبور از مبانی نظری اقتصاد اسلامی به الگوهای عملیاتی موردبررسی قرار می‌گیرد.

۲. مواجهه علمی با نظامات اجتماعی و اقتصادی امروز

قطعاً موضع‌گیری معتبر شرعی در برابر اصول، مبانی، ارکان و فرآیندهای تصمیم‌گیری و رفتاری نهادها و نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... در دوران معاصر، مسأله اساسی و چالش برانگیز در هر جامعه‌ای می‌باشد و بر این پایه، نحوه انطباق اصول و قواعد اسلامی با نظامات معاصر تبیین می‌شود. بر این اساس و در چارچوب مسأله تحقیق و هدف مقاله، هرگونه موضع‌گیری معتبر در برابر نظامات و نهادهای اقتصادی امروز، بدون توجه به موازین شرعی و اصول اسلامی در این عرصه و به‌طور کلی، بدون اتکای به تمامیت اقتصاد اسلامی و ماهیت جامع آن عملی نیست و چه‌بسا به التقاط و درک ناقص امور منتهی می‌شود.

براساس برخی روش‌های مشهور (از قبیل: صدر، ۱۴۰۲ق، صص. ۳۳-۳۴)، کشف کلیات مکتب اقتصادی اسلام در حوزه بایدها و نبایدهای اقتصادی براساس «روش فقهی و اجتهادی» انجام می‌شود، اما در عین حال باید توجه داشت که کشف این بایدها و نبایدها بدون اتکای به هست‌و‌نیست‌ها و بدون تبیین جهان‌بینی اقتصادی در پرتو آیات و

روایات اسلامی میسر نیست. براساس روش‌های دیگر (مهدوی‌کنی، ۱۳۷۹، ص. ۹۷؛ عیوضلو، ۱۳۸۷، صص. ۱۴۳-۱۶۱؛ عیوضلو، ۱۳۹۷، صص. ۱۷-۲۱) زیربنای احکام اسلامی در حوزه اقتصاد، آموزه‌های جهان‌شناختی و انسان‌شناختی تکوینی و مجموعه‌ای از روابط تحقیقی قابل استخراج از قرآن و روایات است که براساس آن قوانین علمی و سنن تکوینی اقتصادی مبتنی بر شریعت اسلام و روایات اسلامی قابل کشف و استخراج است. از این‌رو، بدون درک جامع و نگاه کلان به اقتصاد اسلامی، امکان استنباط احکام نظام‌ساز و تعمیم آن به شرایط امروز ممکن نیست و نمی‌توان کارآمدی و اثر بخشی سیستم یا نظام اقتصاد اسلامی را از این جهت نشان داد. علاوه بر این، ادبیات اقتصاد اسلامی زمانی اثربخش خواهد بود که اقتصاددانان اسلامی فقط به بیان ایده‌آل‌ها نپردازند، بلکه برای حل معضلات اقتصادی امروز نیز راه‌حل‌های قابل اجرا پیشنهاد کنند و این مهم زمانی عملیاتی می‌شود که براساس شناختی که از واقعیت روابط اقتصادی در جوامع اسلامی کسب می‌کنند و برپایه مبانی و اصول ثابت شریعت اسلام به تولید نظریه‌های راهبردی و سیستمی برای تغییر واقع فعلی همت گمارند. این نوع نظام‌سازی اقتصاد اسلامی، راه را برای رهبران جوامع اسلامی باز می‌کند تا نظریه و راهکاری را که با مبانی اسلامی سازگارتر است انتخاب کنند و زمینه‌های لازم را برای تغییر شرایط براساس الزامات این نظریه‌ها فراهم سازند.

نظریه‌پردازی مبتنی بر موازین اسلامی در عرصه اقتصادی چنانچه به شکل سیستمی و کلان‌نگر و براساس گرایش‌های ثابت اسلام بنیاد نهاده شود باعث ارتقاء قدرت تبیین و پیش‌بینی نظریات خواهد بود و چنین نظریاتی را می‌توان نظریه‌های پیش‌رو در عرصه‌های نظری و تجربی دانست. در حالی که برعکس، اندیشه‌های التقاطی برگرفته از علوم برآمده از رنسانس بدون درک و تحلیل جامع از شرایط موجود، از آنجا که مبتنی بر کلیت تفکر اسلامی بنا نشده‌اند، باعث تقلیل نگاه‌ها به اسلامی‌سازی و انفعال و ناکارآمدی آن شده است، کما اینکه نمونه‌های کثیری از این مواجهه ناکارآمد، از جمله مواجهه بسیط با مفهوم بانکداری و پول، بعد از حدود ۴۰ سال در کشور نتوانسته است انتظارات از نظام بانکداری اسلامی در کشور را برآورده سازد.

۳. روش ترکیبی برای نظام‌سازی اقتصاد اسلامی

در ادبیات اقتصادی بین مکتب و نظام اقتصادی تفاوت جوهری وجود دارد. مکتب اقتصادی بیانگر وضعیت آرمانی و ایده‌آل اقتصاد در چارچوب جهان‌بینی و نظام ارزشی حاکم بر اندیشه اقتصادی است. اما نظام اقتصادی تصویر واقعی از مکتب اقتصادی است که در صحنه واقعی جامعه عمل پوشیده و رنگ واقعیت به خود گرفته است. بر همین اساس مکتب اقتصادی اسلام از جهان‌بینی و نظام ارزشی مکتب اسلام استنتاج می‌شود. این مهم اول بار توسط مرحوم شهید صدر با انتشار کتاب اقتصاد نا به انجام رسیده است. اما نظام اقتصاد اسلامی ارائه تصویری از مکتب اقتصادی اسلام در تطبیق با الزامات و بایسته‌ها و مقتضیات جهان واقع امروزی است. از این رو برای نیل به راهبردهای اجرایی و کاربردی -از جمله ترسیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت- قبل از همه نیازمند ارائه تصویر روشنی از ارکان و اهداف نظام اقتصاد اسلامی می‌باشیم، این نظام یا سیستم به‌لحاظ نگاه مکتبی جنبه ایده‌آل و آرمانی دارد، اما بر این ایده استوار است که قابل پیاده‌سازی در عصر حاضر نیز هست که از آن به‌عنوان «فرآیند تطبیق» یاد می‌کنیم. این فرآیند را می‌توان در طراحی نظام اقتصاد اسلامی (و نه مکتب اقتصاد اسلامی) مورد توجه قرار داد. شکی نیست که مکتب و نظام اقتصادی اسلامی هر دو از خاصیت سیستمی^۲ برخوردارند و از این رو هر دو شامل اجزاء، روابط و اهداف می‌باشند. اما باید توجه داشت که اجزا و ارکان نظام اقتصاد اسلامی جنبه عینی‌تری دارند و نمی‌توان بدون توجه به واقعیت روز جامعه مبانی و اجزا و ارکان آن را ترسیم نمود. برای مثال، مبانی مکتب اقتصادی اسلام کاملاً وابسته به فهم از قرآن و سنت و منابع دینی است که کمتر قابلیت تغییر و تحول دارد. اما مبانی نظام اقتصادی بیانگر ارزش‌ها و نهادها و ایدئولوژی‌های تحقق‌یافته در جامعه است. البته نظام اقتصادی مطلوب با نظام اقتصادی عینی تفاوت دارد. نظام اقتصادی مطلوب نظام قابل تحقق در جامعه امروز است که از آن به‌عنوان نظام اقتصادی مطلوب یاد می‌کنیم، اما نظام اقتصادی عینی تصویرهایی است که از عینیت تحقق‌یافته نظام مطلوب در جهان واقعی در مقاطع مختلف زمانی گرفته می‌شود. برای مثال، نظام اقتصادی ایران به این معنی ارائه تصویر روشنی از نظام اقتصادی تحقق‌یافته در اقتصاد ایران در مقاطع مختلف زمانی است.

نظام‌سازی اقتصادی اسلامی قبل از همه منوط به ارائه تصویر کلی از مکتب اقتصادی اسلام است. با توضیحی که اشاره شد روش‌شناسی مکتب اقتصادی نیز با روش‌شناسی نظام اقتصادی دارای تفاوت‌هایی است. مکتب‌سازی اقتصاد اسلامی از روش کشف و روش اجتهادی تبعیت می‌کند، در مقابل نظام‌سازی اقتصاد اسلامی امری تأسیسی است و کاملاً با مقتضیات و شرایط زمان و مکان مرتبط است. به بیانی دیگر، روش کشف و روش تأسیس نیز دارای تفاوت‌های بسیاری هستند و لزوماً نمی‌توان با روش کشف مکتب نظام‌سازی نمود، به‌همین ترتیب لزوماً نمی‌توان از روش تأسیسی برای معرفی مکتب اقتصادی اسلام اقدام نمود.

روش نظام‌سازی اقتصاد اسلامی از یک‌سو تحت‌تأثیر روش‌شناسی اقتصاد اسلامی است و از سوی دیگر به‌طور طبیعی نظام‌سازی اقتصادی، بنا به اقتضای آن، در هر حال از چارچوب روش‌شناسی‌های معتبر در عرصه نظام‌های اقتصادی متعارف نیز تبعیت خواهد داشت. به‌همین جهت، در این مقاله، به‌لحاظ محتوایی برای طراحی الگوهای نظری در عرصه نظام‌سازی اقتصاد اسلامی، روش استنباط کلان‌نگر که با بهره‌گیری از روش‌هایی نظیر فقه نظریه، فقه نظامات و فقه حکومتی و نظائر آن قابل‌گسترش است پیشنهاد می‌شود، و به‌لحاظ ساختاری استفاده از ساختارها و فرآیندهای نظریه‌پردازی متعارف نیز توصیه شده است. شهید صدر از اولین تئوری‌پردازان در حوزه اقتصاد اسلامی بوده است که به بیان روش خود در ارائه نظریه اقتصاد اسلامی پرداخته است. پس از او برخی از صاحب‌نظران فقهی نیز با مبنا قرار دادن احکام فقهی به‌طریق مختلف به شیوه‌های نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی می‌پردازند. با توجه به این مقدمات، به نظر ما، روش‌شناسی منتخب برای معرفی نظام اقتصادی اسلامی با عنوان روش‌شناسی کل‌نگر نوعی «روش ترکیبی» از روش‌شناسی مطالعات اسلامی و مطالعات متعارف اقتصادی است که در ذیل مورد اشاره واقع می‌شوند.

۳-۱. فقه نظریه (حرکت از احکام به قواعد)

فقه نظریه، روش اجتهادی بدیعی در متون فقهی است که با هدف کشف نظریات بنیادین اسلامی در عرصه‌های گوناگون چون اقتصاد، حقوق، سیاست و... دنبال می‌شود. این

روش نوین از ابداعات فقیه متفکر شهید صدر می‌باشد (غفوری، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۲۲). محقق فقه نظریه، به دنبال کشف قوانینی کلی در عرصه‌های یاد شده است، تا بدین وسیله فقه را از چارچوب احکام خرد و فردی رها کرده و وارد عرصه‌های کلان اجتماعی نماید. اساس فقه نظریه بر این تفکر استوار است که احکام شریعت، اگر چه در ظاهر جدا و منفرد به نظر می‌رسند، اما در واقع با هم مرتبط بوده و از یک نظریه منسجم و متقن سرچشمه گرفته‌اند. به عبارت دیگر، هر حکمی به صورت منفصل از سایر احکام جعل نشده و شارع مقدس بر اساس یک مجموعه خطوط کلی، به جعل احکام پرداخته است. وظیفه فقه نظریه یا فقه نظریات، کشف این خطوط کلی است تا در امتداد آن چارچوب کلان اقتصادی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی اسلام مشخص گردد (آقائظری و خطیبی، ۱۳۹۲، ص. ۶). نظام‌سازی اسلامی نیازمند آگاهی و اشراف بر خطوط کلان اسلام در عرصه‌های گوناگون زندگی است تا بر اساس آن بتوان به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مقتضی پرداخت. فقه نظریات می‌تواند با کشف این نظریات، فرآیند نظام‌سازی را یاری کرده، و از این لحاظ روش اولیه برای ورود به مباحث فقه حکومتی تلقی می‌گردد. اگرچه شهید صدر، فقه نظریات را در قالب نظریات اقتصادی تبیین نموده است اما این روش فقهی، اختصاصی به اقتصاد ندارد. در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست، حقوق و قضاء نیز می‌تواند اجرا شود و حکومت اسلامی را در همه عرصه‌های اجتماعی به لحاظ نظری پشتیبانی نماید (غفوری، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۳۶). در روش اجتهادی، نظریات عمومی اسلام در عرصه‌های گوناگون به صورتی تنظیم می‌شود تا احکام فرعی به ظاهر متفرق را هماهنگ کند و از این رهگذر، دستیابی به قوانین اداره زندگی به صورت یک نظام پیوسته و منسجم میسر گردد. «فقه نظریه» از جهات متعددی با فقه متعارف تفاوت دارد. موضوع فقه متعارف، افعال مکلفین است، در حالی که موضوع فقه نظریه قضایای بنیادینی است که اساس مکتب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اسلام را شکل می‌دهد. فقیه در فقه متعارف، به دنبال تحصیل حجت است، در حالی که محقق فقه نظریه به دنبال کشف خطوط کلی حاکم بر احکام به ظاهر متفرق است. بر اساس روش فقه نظریه فقیه از احکام روبنا به نظام و قواعد زیربنا دست می‌یابد. این روش در در بخش‌های مختلف کتاب «اقتصادنا» شهید صدر به خوبی مشخص

است. ایشان توانسته است با کنار هم قراردادن احکام مرتبط در موضوعاتی نظیر توزیع قبل از تولید، توزیع حین تولید و توزیع پس از تولید از احکام و فتاوی فقهی مختلف قواعد زیربنایی نهفته در این احکام را کشف کند که کمک مهمی برای معرفی نظام اقتصادی اسلام می‌کند.

یکی دیگر از جنبه‌های اهمیت فقه نظریه، وضعیت کنونی جمهوری اسلامی ایران است. در شرایط فعلی، که نظام اسلامی حاکم بر جامعه است، استخراج نظریات اسلامی در عرصه‌های گوناگون از اهمیت زیادی برخوردار است. دولت اسلامی برای برنامه‌ریزی در عرصه‌های گوناگون حکومتی، نیازمند تبیین صحیحی از خطوط کلی اسلام در اقتصاد، سیاست، حقوق، خانواده و امثال آن است. فقه نظریات می‌تواند در این زمینه به‌طور اساسی به ایفای نقش پردازد (آقانظری، ۱۳۹۲، ص. ۱۱).

۲-۳. فقه نظامات و فقه حکومتی

فقه نظامات رویکردی است که براساس آن بتوان فراتر از احکام شرعی متعارف نظامات اجتماعی را از منابع دینی استخراج کرد. در این نگرش، انتظار از فقه (نظامات) این است که نظامات مختلف اجتماعی، همچون نظام سیاسی، نظام فرهنگی و نظام اقتصادی را به‌صورت مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ که دارای مبنا و هدف واحدی است ارائه داده و بستر حیات اجتماعی را تحت آموزه‌های دین ساماندهی کند (میرباقری، ۱۳۹۵، صص. ۶۲-۶۳). مطرح شدن فقه حکومتی در عرصه ادبیات جدید فقهی را نیز می‌توان از تجلیات این رویکرد جدید دانست که به‌دنبال کشف قواعدی برای اداره حکومت اسلامی است. دایره شمول و الزاماتی که فقه حکومتی دارد با الزاماتی که فقه فردی دارد متفاوت است، همان‌طوری که اشاره شد فقه فردی ناظر به احکام مکلفین است که متعلق آن عموم مردم هستند. در فقه فردی فرد مکلف بود ولی در فقه حکومتی، حکومت به‌عنوان مکلف به‌سراغ فقه می‌آید و تعیین تکلیف امور مختلف حکمرانی را از فقه می‌پرسد (سعدی، ۱۳۹۵، ص. ۴۶). در واقع، برای اداره یک حکومت نیازمند فقهی هستیم که احکام سازمان‌ها و کارگزاران نظام را تعیین کند. به‌نظر سعدی، حرکت از فقه فردی به فقه حکومتی از طریق تحقق فقه نظریات است که به تحقق نظام خواهد رسید. به‌عبارت

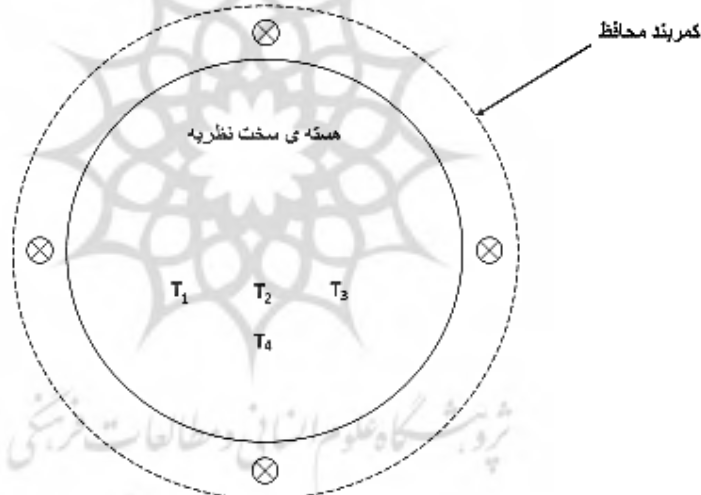
دیگر، نظامی اسلامی خواهد بود که سیاست‌گذاری خود را مبتنی بر فقه النظریات داشنه باشد (سعدی، ۱۳۹۵، ص. ۴۸).

طراحی و تدوین فقه نظامات قبل از همه مستلزم این است که فقیه بتواند از فقه جزءنگر ناظر به احکام مکلفین عبور کند و به احکام نظامات دست یابد. دستیابی به این نوع از فقه قبل از همه مستلزم شناخت فقیه از نظامات موجود و الزامات و استلزامات آن است. بی دلیل نیست که نظام‌سازی اقتصادی در حوزه بانکداری در نظام جمهوری اسلامی ایران به سرانجام مطلوب خود نرسیده است. علت اصلی این بوده است که فقهای محترم بدون ملاحظه نظامات حاکم بر پول و بانکداری فقط در قالب عقود بانکی قصد اصلاح سیستم‌های ربوی را داشته‌اند، اما اشکالات ساختاری و مبنایی این روش در حال حاضر کاملاً مشخص شده است و معلوم است که نمی‌توان بدون ملاحظه جوانب حقوقی، بانکی، حسابداری، اقتصادی و نظایر آن فقط به روابط حقوقی توجه داشت، آن هم روابط حقوقی مربوط به نظامات قدیمی؛ حال آنکه امروزه نظامات اقتصادی دچار تغییرات ماهوی جدی شده است و نمی‌توان بدون ملاحظه این تغییرات صرفاً با فرض ثبات سایر شرایط به ارائه راهکارهای فقهی پرداخت، بدون اینکه به مقتضیات زمان و مکان و موقعیت نظامات و نهادها توجه شود. برای مثال، واضح است که اجرای عقود مشارکتی بدون وجود نهادهای مکمل از قبیل مؤسسات اعتبارسنجی و ناظر میسر نیست.

۳-۳. ساختار برنامه‌های پژوهشی اقتصاد اسلامی (حرکت از اصول زیربنا به قواعد راهبردی)
اقتصاد اسلامی با حفظ اصول و پایه‌ها، از لحاظ روش، جمود و جزم‌نگری نداشته و هر نوع روشی را که با مبانی آن تعارضی نداشته باشد، پذیرا است. بنابراین در اقتصاد اسلامی با فرض ثبات مبانی ارزشی و عقیدتی می‌توان از روش‌های تجربی و عقلی و هر روش معتبر علمی برای شناخت موضوعات و بررسی متغیرها استفاده نمود (میرباقری، ۱۳۹۵، صص. ۶۲-۶۳).

روش برنامه‌های پژوهشی لاکاتوش^۳ از جمله روش‌هایی است که با حفظ مبانی ثابت اسلام به‌عنوان هسته سخت نظریه، می‌توان از ساختار این روش برای بررسی پیشرفت برنامه‌های پژوهشی اقتصاد اسلامی استفاده کرد.

ساختار نظری پیشنهادی لاکاتوش که به صورت ساختار برنامه‌های پژوهشی نامیده شده، این ظرفیت را دارد که ساختاری مفید برای معرفی ساختار نظریه‌های اقتصاد اسلامی و معرفی قواعد و راهبردهای سیاستی مرتبط به آن ارائه دهد. در ساختار روش‌شناسی پیشنهادی لاکاتوش، برخلاف نگرش تحقق‌گرایی^۴ و ابطال‌گرایی^۵ که واحد دستاورد علمی را یک فرضیه منفرد قلمداد می‌کردند، نظریه‌های علمی در قالب ساختاری به تصویر کشیده شده و معنا می‌یابند که اجزاء این ساختار را هسته سخت^۶ و کمربند محافظ^۷ تشکیل می‌دهند. هسته سخت شامل مفروضات اساسی غیرقابل ابطال می‌باشد و کمربند محافظ شامل فرضیه‌های صریح، گزاره‌های مشاهداتی و مفروضاتی می‌شود که شرایط اولیه موضوع تحقیق را توصیف می‌کنند (شکل ۱).



شکل (۱) برنامه‌های پژوهش علمی لاکاتوش

منبع: یافته‌های تحقیق

در این الگو، برای پژوهش‌هایی که درون برنامه پژوهشی موجود انجام می‌شود، دو رهنمون (راهبرد) ایجابی و سلبی ارائه گردیده است. رهنمون سلبی یک برنامه بیان می‌دارد که مفروضات اساسی آن برنامه (در نگاره (۱)، این مفروضات از T1 تا T4 نشان داده شده‌اند) نباید طرد شده یا مورد جرح و تعدیل قرار گیرد. این مفروضات اساسی، بنا

به تصمیم روش‌شناختی مدافعان آن از ابطال مصون نگاه داشته شده و هرگونه تعارض پدیدآمده بین یک برنامه پژوهشی توسعه‌یافته و شواهد تجربی، به‌بخش دیگری از ساختار نظری نسبت داده می‌شود. پذیرش این گزاره‌های کلی و مفروضات متافیزیکی (جهان‌بینی) با تصمیم و اجماع جامعه علمی صورت می‌پذیرد. نکته مهم در این خصوص این است که ساختار هسته سخت به امور فرا اقتصادی و مبانی متافیزیکی مرتبط است که برای نظریه موردبحث جنبه برون‌زایی دارند و لذا قابل ابطال نمی‌باشند. به‌همین ترتیب، و مبتنی بر این نوع از ساختارهای روش‌شناسی، نظریه اقتصاد اسلامی یا الگوی توسعه اسلامی - ایرانی از هسته سخت غیرقابل ابطالی می‌تواند برخوردار شود. البته لازم است ساختار نظری و اصول و فرضیه‌های اساسی آن از اجماع نظری صاحبان اندیشه در این تخصص برخوردار باشد. ناگفته نماند که این ساختار نظری بعد از گذشت سالیان زیاد از تحول و تکامل یک برنامه پژوهشی نهادینه می‌شود.^۸

به اعتقاد نگارنده، روش‌شناسی برنامه‌های پژوهشی لاکاتوشی به جهت جامعیت و ویژگی‌های منحصر به فرد، ساختار نظری مناسبی را برای نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی اسلامی و همچنین تدوین الگوهای راهبردی اقتصاد اسلامی فراهم می‌سازد.^۹

مشابه همین روش که از اصول و فروض بنیادین به راهبردها و برنامه‌های ایجابی دست می‌یابد، در عرصه اقتصاد اسلامی نیز اخیراً روش مهمی مطرح شده که براساس آن می‌توان از جهان‌بینی اقتصادی و اصول تکوینی اسلامی برگرفته از قرآن و اصول تشریحی و مبانی حقوقی شریعت اسلام به قواعد تصمیم‌گیری در عرصه کشف مکتب و نظام‌سازی اقتصاد اسلامی دست یافت. این ایده اول بار توسط آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره) (۱۳۷۹) در کتاب «اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن» مطرح شده و توسط عیوضلو (۱۳۸۷) در مقاله «ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی» و همچنین توسط عیوضلو و کریمی (۱۳۹۷) در مقاله «اصول و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام» در عرصه معرفی ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی (اصول تکوینی، اصول تشریحی و سنن) و معیارهای راهبردی بانکداری اسلامی (حق، عدل و قوام) بسط یافته است. اهمیت این روش در زمان معاصر برجسته‌تر شده است و علت آن این است که در مواردی که براساس روش شهید صدر، احکام اسلامی مشخصی برای کشف قواعد زیربنایی اقتصاد

اسلامی وجود ندارد و کاربرد آن روش محدود می‌شود، می‌توان براساس این روش قواعد حاکم بر احکام را شناسایی نمود و مبتنی بر این قواعد احکام و راهبردهای کلان سیستمی اقتصاد اسلامی را معرفی نمود.

۳-۴. روش تحلیلی برای کشف نظام اقتصاد اسلامی

برای بررسی و آزمون نظریه‌های نظام اقتصادی اسلام به‌ویژه برای طراحی نظام اقتصاد اسلامی در دوران معاصر می‌توان از روش‌شناسی‌های معتبر در عرصه نظام‌های اقتصاد اسلامی بهره گرفت. به‌همین منظور و به‌جهت اقتضای نظام‌سازی اقتصاد اسلامی، بهره‌گیری از روش تحلیلی^{۱۰} در تحلیل نظام‌های اقتصادی نیز می‌تواند بسیار کارساز باشد. در این روش به‌تحلیل محتوایی و انتزاعی و جوهری پدیده‌ها و رویدادهای ظاهری پرداخته می‌شود. رویکرد تحلیلی بیشتر به سیستم خالص^{۱۱} از یک نظام و یا در واقع به تحلیل انتزاعی^{۱۲} از یک نظام می‌پردازد.

انسان مستقیماً با رفتار عینی نسبت به تغییرات واقعی عکس‌العمل نشان نمی‌دهد، بلکه این واکنش‌ها اغلب به‌واسطه مدلی است که در ذهن او از عینیت شکل گرفته است. هرچقدر این مدل پیچیده‌تر باشد، تصمیم‌گیری دقیق‌تر است، و هرچه این مدل ابتدائی‌تر باشد تصمیم‌گیری بسیط‌تر است. بدیهی است که تصمیم‌گیری در عینیت مستلزم شناخت است و این شناخت حاصل نمی‌شود مگر با تکیه بر شناخت از عینیت در قالب یک دستگاه تحلیلی و یا مبتنی بر ساختن مدلی از عینیت در ذهن که براساس آن تصمیم‌گیری هر فرد شکل می‌گیرد. اگر بخواهیم این شناخت عمیق‌تر باشد مدل نیز باید پیچیده‌تر باشد. به‌عبارت دیگر اگر بخواهیم تصمیم‌گیری دقیق‌تر باشد، این امر مستلزم شناخت عمیق‌تر از عینیت است و شناخت عمیق‌تر مستلزم مدل است.

مدل پیچیده‌تر ← شناخت عمیق‌تر ← تصمیم‌گیری دقیق‌تر

تصمیم‌گیری دقیق به‌معنای تصمیم‌گیری جامع است که در آن همه وجوه واقع عینی یا ذهنی چه در عرض، چه در طول و چه در عمق ملاحظه می‌شود. شناخت در عمق را تحلیل دقیق‌تر و انتزاعی‌تر می‌نامیم. شناخت در عرض نیز همان شناخت روابط آن رشته

یا دانش فکری^{۱۳} با علوم دیگر است. شناخت در طول نشانگر تحلیل تاریخی^{۱۴} (تحلیل تحولات در روند زمان) می‌باشد. پس جامعیت باید در سه بعد عمق، عرض و طول باشد. منظور از تحلیل طولی بررسی تحولات تاریخی است. تحلیل طولی نیز خود نیازمند به یک مدل است تا بدان وسیله تاریخ را تفسیر کند، لذا می‌بینیم که در این مرتبه هرکدام از اینها هم خودش دارای دستگاه شناخت چند بعدی است. شناخت تاریخ مستلزم داشتن یک دستگاه تحلیلی است که جدای از تاریخ است و به کمک آن تاریخ تفسیر می‌شود. این دستگاه یا مدل یقیناً نسبت به عینیت در مراتب تجریدی بالایی قرار دارد و هرچه این مراتب تجریدی بالاتر باشد، مدل دقیق‌تر و پیچیده‌تر است^{۱۵}.

براساس این نوع ساختار تحلیل، برای شناخت نمونه ایده‌آل و چارچوب جامع الگوی اقتصاد اسلامی و به‌همین ترتیب برای آزمون نظریه‌هایی که برای معرفی نظام اقتصادی اسلامی مطرح می‌شوند، نیاز به شناخت واقع نظام‌های اقتصادی اسلام، شناخت روند وقوع حوادث، و سطوح مختلف انتزاع از الگوها و رفتارهای ایده‌آل و مطلوب داریم تا به سمت جوهره اقتصاد اسلامی هدایت شویم. این نوع تلاش‌ها در نهایت تصویر روشنی از الگوهای ایده‌آل اقتصاد اسلامی را برای هدف واقع شدن ارائه می‌کنند. از آنجا که روش تحلیلی شناخت سطح‌بندی شده و انتزاعی در حرکت از عین به ذهن است، همان‌طوری که در بخش بعدی اشاره می‌شود می‌توان به‌طور مرحله‌ای از ذهن به عین و بالعکس گام برداشت.

۳-۵. روش ترکیبی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بنابر آنچه گذشت، روش‌شناسی نظریه‌پردازی در حوزه نظام‌سازی اقتصادی علاوه بر بهره‌گیری از ساختارهای جدید روش‌شناسی فقهی کلان‌نگر می‌تواند از ساختارهای روش‌شناسی‌های متعارف نیز بهره‌گیرد و می‌توان از این ساختارهای متداول و معتبر نیز برای ساختاردهی این نظریه‌ها استفاده کرد. در عین حال برای نظام‌سازی اقتصاد اسلامی می‌توان از روش تحلیل نظری در پیوند دادن میان عینیت و ارزش‌های لایتغیر اسلام بهره‌گرفت.

برای نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی در عرصه معرفی مکتب و نظام اقتصادی اسلام و الگوسازی اقتصاد اسلامی از همه روش‌های یاد شده می‌توان از ترکیبی از روش‌های یاد شده بهره گرفت و هریک به‌نحوی دارای کاربرد می‌باشند. برای مثال در موضوعاتی که احکام شرعی وجود دارد، به‌خوبی می‌توان از فقه نظریه بهره گرفت، اما در خصوص موضوعات جدید از قبیل احکام اسکناس، خلق پول و یا رمز ارزها فقه نظریه ناکافی است و لازم است از روش‌هایی نظیر برنامه‌های پژوهشی اقتصاد اسلامی که روش حرکت از اصول اسلامی به قواعد و راهبردهای تصمیم‌گیری را نشان می‌دهد و همچنین از روش تحلیلی می‌توان برای نیل به راهبرد کلان و تولید فتوا اقدام نمود.

۴. ساختار و فرآیند نظریه‌پردازی در حوزه نظام‌سازی اقتصاد اسلامی

برای نظام‌سازی مبتنی بر اقتصاد اسلامی لازم است قبل از همه به ویژگی سیستمی آن توجه شود. از این‌رو، بررسی سازگاری آن با اصول و موازین اسلامی و در عین حال کارآمدی و نتیجه بخشی آن اهمیت تام دارد. «سیستم» یا «نظام» مجموعه‌ای از اجزای مرتبط به هم است که هدف خاصی را نتیجه می‌دهد. براساس این تعریف نظام اسلامی و به‌همین ترتیب هر یک از عرصه‌های آن (مثلاً عرصه نظام اقتصادی اسلامی^{۱۶} یا نهادهای مرتبط با آن) مرکب از سه رکن «اجزاء»، «روابط» و «اهداف» است. به‌نحوی که هریک از این رکن‌ها از متون و مستندات اسلامی استخراج می‌شوند. اما باید توجه داشت صرف تهیه و تنظیم این سه رکن لزوماً ساختار و مکانیسم منسجمی را نتیجه نمی‌دهد و به همین جهت ضروری است تا سازگاری و انسجام ارکان آن اثبات شود. این مهم زمانی حاصل می‌شود که به‌طور معتبر اثبات شود که اجزا و روابط این سیستم ضرورتاً اهداف مورد نظر را نتیجه می‌دهند.

منظور از نظریه‌پردازی برای تبیین نظام یا سیستم اقتصاد اسلامی^{۱۷} معرفی سیستم جامعی مرکب از اجزاء، روابط و اهداف ویژه‌ای است که:

- ✓ اولاً، همه ارکان آن با مبانی اعتقادی و نظام ارزشی اسلام تطبیق داشته باشد.
- ✓ ثانیاً، هر سه رکن با یکدیگر سازگار باشند و همدیگر را نفی نکنند، یعنی با تحقق اجزا و روابط مورد بحث هدف تعیین شده قابل دستیابی باشد.

- ✓ ثالثاً، با تکیه بر قوانین و روابط اثباتی اقتصاد اسلامی، امکان تبیین و شناسایی جایگاه، وضعیت و اندازه متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و منابع اقتصادی کشور و پیش‌بینی اندازه و وضعیت آتی آنها میسر شود.
- ✓ رابعاً، راهبردها و راهکارهای مناسبی را برای توسعه و پیشرفت کشور فراهم سازد و شیوه‌ها و مراحل اجرایی هر یک از راهکارها را به‌نحو معتبر و قابل قبول اهل فن مشخص سازد.

براساس این نوع روش‌شناسی و همچنین بیان مسأله که صورت گرفت نظریه نگارنده در رابطه با ساختار و فرآیند تطبیق نظریه و نظام‌سازی مبتنی بر اقتصاد اسلامی با عنوان مراحل منطقی نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی به‌شرح ذیل بیان می‌شود.

۴-۱. مراحل منطقی نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی

نظریه یا تئوری ابزاری است که در قالب مطالعات مختلف، توضیحات و تبیین‌های متفاوتی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. اصولاً نظریه یک یا چند گزاره از یک ساختار ذهنی است که ارتباط دو یا چند عنصر (به‌صورت علت و معلولی یا غیر آن) را نشان می‌دهد. نظریه مجموعه‌ای از مفاهیم، گزاره‌ها و قضایا است که به‌طور منطقی و سیستماتیک به یکدیگر مربوط شده‌اند و بیانگر یک بازنمایی از روابط بین پدیده‌ها در واقعیت (اقتصادی) است (معرفی‌محمدی، ۱۳۹۳، ص. ۲۲). نظریه در تعاریف جدید آن به‌عنوان ساختار منسجمی از زنجیره فرضیه‌های مرتبط به هم شناخته می‌شود و گفته می‌شود تئوری‌ها نوعی از کل‌های ساختاری^{۱۸} هستند. به‌طور کلی نظریه یک چارچوب نظری و ساختار مفهومی در ارتباط با واقعیت موردنظر است.

از آنجا که نظام‌سازی اقتصاد اسلامی از جمله طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در این خصوص بیش از همه به ساختار نظری اقتصاد اسلامی وابسته است، این مقاله روش‌شناسی این الگو را براساس روش‌شناسی قابل تطبیق با ساختار نظری اقتصاد اسلامی موردبررسی قرار می‌دهد.

برای شناخت فرآیندها و سازوکارهای کشف نظام برخی از متفکران معاصر اسلامی از فقه نظام‌ساز سخن گفته‌اند و برای دستیابی به فقه نظام‌مراحتی را برشمرده‌اند. این

موضوع در پژوهش‌های معاصر برخی از محققان فقه نظریه و فقه نظام‌ساز مورد توجه بوده است که از آن جمله می‌توان به دو مورد ذیل اشاره کرد:

حسینی (۱۳۹۵) سه شرط «ثبات و تغییر»، «سازواری و انطباق» و «همبستگی میان اجزا و عناصر نظام» را جزو مهم‌ترین ویژگی‌های نظام برشمرده و علاوه بر این، عقبه تئوریک مبتنی بر فلسفه تاریخ، سنخیت قالب و محتوا، و هویت بخشی سیستمی را مهم‌ترین اصول و شاخصه‌های ارزیابی نظام‌ها برشمرده است (حسینی، ۱۳۹۵، صص. ۱۳۸-۱۴۱).

سعدی (۱۳۹۵) دو شرط «انسجام» و «کارآمدی» را به‌عنوان شرایط اصلی استکشاف نظریه برشمرده است و مصلحت را به‌عنوان برآیند انسجام و کارآمدی مهم‌ترین عامل مشروعیت نظریه دانسته است که توسط حاکم اسلامی تعیین تکلیف می‌شود (سعدی، ۱۳۹۵، صص. ۵۲-۵۹).

قحف (۱۳۷۶) معتقد است هر نظام اقتصادی باید براساس یک ایدئولوژی استوار باشد که از یک سو بنیان‌ها و اهداف و از سوی دیگر اصول موضوعه و قواعد کلی از آن ناشی می‌شود. فرآیندی که به‌وسیله آن مجموعه‌ای از اصول موضوعه و قواعد کلی دنبال می‌شود تا اقتصاد را به اهداف نظام نزدیک‌تر نماید، نشان‌دهنده زمینه آزمایشی برای نظام است. هر نظام اقتصادی چارچوبی ترسیم می‌کند که در درون آن یک جامعه اقتصادی - اجتماعی می‌تواند منابع طبیعی و انسانی را برای تولید به‌کار برده و ثمرات تولید را برای مصرف توزیع نماید. اعتبار یک نظام اقتصادی می‌تواند به‌وسیله هماهنگی درونی، سازگاری با نظام‌هایی که جنبه‌های دیگر زندگی را سازماندهی می‌کنند، و آمادگی برای اصلاح و رشد مورد آزمون قرار گیرد. در پرتو این شرایط و چارچوب نظام اقتصادی حاکم است که این عناصر نظریه اقتصادی می‌تواند توسعه یافته، آزمون شده و به فرضیه‌هایی بیانجامد (عرب‌مازار، ۱۳۷۶، ص. ۱۶).

در تطبیق با پژوهش‌هایی که در خصوص دستیابی به فقه نظام‌ساز اشاره شد و همچنین با استفاده از روش‌شناسی ترکیبی که در این مقاله مورد توجه است می‌توان به ساختار ذیل در خصوص کشف و آزمون نظریه اقتصاد اسلامی دست یافت.

پس از طرح یک فرضیه در هر علمی و از جمله اقتصاد اسلامی، برای پذیرش این فرضیه و شکل‌گیری یک نظریه جدید، عبور از چند مرحله منطقی ضرورت دارد:

۱. سازگاری با هسته سخت اقتصاد اسلامی؛
۲. ساختار منطقی و انسجام نظریه و امکان‌پذیری تجزیه و تحلیل عقلی؛
۳. آزمون فرضیه، ارزیابی اثربخشی و پیش‌روی برنامه.

۴-۱-۱. سازگاری با هسته سخت اقتصاد اسلامی

نخستین مرحله از مراحل طراحی نظریه آن است که ببینیم آیا موضوع مورد نظر با «هسته سخت»^{۱۹} یا «ساختار منطقی»^{۲۰} اقتصاد اسلامی سازگار است یا خیر. هسته سخت یا اصول و فرضیه‌های بنیادین اقتصاد اسلامی مجموعه‌ای از فروض یا اصول مبنایی است که به‌عنوان بنیادی‌ترین اصول و مبنای اقتصاد اسلامی شناخته می‌شوند. این اصول و مبنایی اصولاً تعداد محدودی از اصول و فرضیه‌های تبیین‌کننده هستند که توسط نظریه‌پرداز معرفی و تبیین می‌شوند. توسل به اینکار در مرحله اول گریزناپذیر است چرا که «نقطه آغاز اقتصاد اسلامی، درک اهداف و ارزش‌های مقدر شده از سوی خداوند است و بدون آن نمی‌توان اقتصاد اسلامی را طرح‌ریزی نمود». شاید بتوان عبارت «دمج النص ضمن إطار خاص» (پیوند نصوص در چارچوبی خاص) را از کلام مرحوم شهید صدر برای تأیید این بحث مورد استناد قرار داد (صدر، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۸۴). اقتصاددانان اسلامی با کنار نهادن مدعای پوزیتیویستی ارزش‌خشی‌ای، با به‌کارگیری ارزش‌های اسلامی از متون و مستندات اسلامی می‌توانند با سنجیدن فرضیه‌های خود با محک ساختار منطقی «شریعت» و بررسی نحوه تطبیق آن با واقعیت‌های خارجی کمک‌های ارزشمندی به توسعه دانش اقتصاد بنمایند. طبق نظریه کوهن توسعه علم بستگی به اتخاذ یک جهان‌بینی خاص دارد و همه تحقیقات بعدی چنان طراحی می‌گردند که با این جهان‌بینی سازگار باشند. «نظریه‌ها، نوعی از کل‌های ساختاری^{۲۱} هستند» و «مفاهیم صرفاً از طریق یک نظریه که به‌طور قابل‌فهمی ساخت یافته باشد و به‌طور منسجم منتظم شده باشد، معنای دقیقی پیدا می‌نمایند» (Kuhn, 1970, pp. 43-52). توجه داشته باشیم که «هسته سخت» یک برنامه با «تصمیمات متدولوژیک مبلغان و پیش‌کسوتان آن مورد ابطال قرار نمی‌گیرد» و از

این نظر اتکا به جهان‌بینی ثابت اقتصاد اسلامی نقشی بسیار تعیین‌کننده دارد. از آنجا که هر نظریه‌پردازی «هسته سخت» نظریه‌های اقتصاد اسلامی را محور نظریه خود قرار ندهد از برنامه پژوهشی خارج شده است، لذا هر نوع تبیینی که با ساختار منطقی و هسته سخت (جهان‌بینی) پارادایم اسلامی سازگار نباشد، با اقتصاد اسلامی سازگاری ندارد و مردود است.

در هر حال باید توجه داشت که نظریه‌های اقتصاد اسلامی جهت‌گیری ارزش‌گرایانه دارند و لازم است مطالعات انجام شده در این رابطه تأثیرپذیری خاص ارزشی خود را نشان دهد. در عین حال، در شناخت اقتصاد اسلامی باید پیوند عقیدتی و اخلاقی نیز در تحقیقات و پژوهش‌ها کاملاً ملاحظه شود (نوراحمدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۲). نکته مهم روش‌شناسی آن است که همه این ابعاد از هسته سخت اقتصاد اسلامی ریشه می‌گیرند و براساس دین اسلام، اقتصاد، سیاست، حکومت، اخلاق و مانند این‌ها همگی از جوهره ثابت اسلام تأثیر می‌پذیرند.

مرحله اول که اشاره شد با رویه‌ای که در اقتصاد متعارف نیز عموماً پذیرفته شده است، مطابقت دارد. در این حوزه نظری نیز هر آنچه با ساختار پژوهشی و هسته سخت و کمربند حفاظتی اقتصاد متعارف سازگار نباشد از چارچوب ساختار پژوهشی آن خارج است. این موضوع به هیچ وجه به معنی محدود کردن فعالیت علمی نیست، به‌ویژه به دلیل آن که «هسته سخت» پارادایم اسلامی بنا به تعریف لازم است به تبیین اصول و مواضع اساسی و نه به بیان جزئیات بپردازد، چندان مورد اختلاف مکاتب گوناگون اسلامی نیست. تبیین این هسته اصلی و تمییز آن از آنچه که طی دوران افول مسلمین و رکود علم و تفقه در دین بدان افزوده شده است، ضروری است. انجام این مهم بدون در نظر داشتن اصول اساسی و مقاصد الشریعه و بدون توجه به مقتضیات زمان و مکان در تفسیر نصوص دینی (قرآن و روایات) میسر نخواهد بود. چنانچه چنین ملاحظاتی در نظر گرفته شوند، مجال فوق‌العاده‌ای برای توسعه «پوسته نرم»^{۲۲} مکاتب اسلامی از طریق استدلال منطقی، آزمون تجربی و اجتهاد ایجاد می‌کند، بدون آنکه تعارضی با پارادایم اسلامی و هسته سخت آن داشته باشد. استنتاج هسته سخت نظریه‌های اقتصاد اسلامی با تکیه بر فقه نظام‌ساز و با بهره‌گیری از روش تحلیلی و جوهری (در برابر روش شناسی عینیت‌گرایی و تاریخی) و

از طریق شناسایی اصول تکوینی و تشریحی برگرفته از مستندات و منابع معتبر اسلامی قابل طراحی است.^{۲۳}

۴-۱-۲. ساختار منطقی، انسجام نظریه و امکان‌پذیری تجزیه و تحلیل عقلی

خرد و عقلانیت حضرت باریتعالی به معنی آن است که خداوند دل‌بخواهی عمل نمی‌نماید، بلکه ذات مقدسش در چهارچوب سنن لایتغیر و عقلانی الهی عمل می‌نماید «و لن تجد لسنة الله تبديلاً» (فتح: ۲۳؛ احزاب: ۶۲؛ فاطر: ۴۳).

عقل به مثابه قوه خلاق و پرسشگر آدمی است که توانایی تجزیه و تحلیل و انتخاب را به او می‌بخشد. تشویق به خردورزی و تفکر از آغاز با ضرورت تحقیق در اصول دین آغاز می‌شود و با طرح این موضوع که اگر تفکر و کوشش در درک و پذیرش آنها صورت نگیرد، آن عقیده و ایمان موردقبول نیست، به اوج خود میرسد. چنین نگرشی لاجرم قائل به ضرورت آزادی فکر برای رشد و بلوغ فکری آدمی است.

واژه عقل در قرآن به‌طور مسستقیم به‌کار نرفته است، ولی مشتقات آن حدود ۴۹ بار در قرآن به‌کار رفته است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در خصوص اهمیت عقل در قرآن نوشته است «قرآن کریم شاید در بیش از ۳۰۰ مورد به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده است یا به رسول گرامی خود می‌آموزد که با چه دلیلی حق را اثبات و باطل را ابطال کند. خدای متعال در هیچ‌یک از آیات قرآن، بندگان خود را مأمور نکرده که او را کورکورانه بندگی کنند یا به یکی از معارف الهی‌اش نفهمیده ایمان بیاورند و یا طریقه‌ای را کورکورانه سلوک نمایند، حتی احکامی را که تشریح کرده و بندگان را مأمور به انجام آن نموده، با اینکه عقل بندگان قادر بر تشخیص ملاک‌های آن شرایع نیست، با این همه آن شرایع و احکام عملی را به داشتن آثاری تعلیل کرده که بشر محتاج به آن آثار است (شیروانی، ۱۳۷۳، صص. ۱۳۹-۱۴۰).

روش اسلام در دعوت مردم، اقامه برهان و در نتیجه درخواست از مردم به تفکر و اندیشه است. براساس این آیات، انسان باید حیات خود، خصوصاً زندگی دینی خویش را براساس اندیشه و تفکر بنا نهد و برای عقاید و اعمالش، دلیل و حجت به‌دست آورد و برای سلوک عقیدتی و عملی خود برهان داشته باشد. همچنین آیات ۲۴ انبیاء (قل هاتوا

برهانکم)، آیه ۱۸ سوره زمر (الذین یستمعون القول و یتبعون أحسنه)، بر این نکته دلالت دارند که هرچند استماع سخنان و تفکر درباره آنها نیکو و ستوده است اما در مقام عمل و پیروی باید تابع شایسته‌ترین سخنان بود. لازمه پذیرفتن اصل اندیشه در اسلام به معنی پذیرفتن هر نتیجه و دستاوردی که از اندیشیدن حاصل می‌شود نیست و چنین تلازمی درست نیست زیرا انسان چه بسا در تفکر خود از مقدماتی ثابت نشده و ظنی استفاده کند، طبعاً نتیجه آن گاهی خطأ و غلط خواهد بود. قرآن بارها استفاده از مقدمات و نتایج ظنی را نهی کرده و چنین عملی را مذموم شمرده است. لذا مهم‌ترین رویکرد اسلامی در این زمینه تکیه بر حقایق یقینی و ترک مقدمات ظنی است. قرآن کریم در آیه ۱۷ سوره اسراء تأکید می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^{۲۴}. لازم به ذکر است مقام نظریه‌پردازی با مقام اجرا و تصمیم‌گیری فرق دارد. مقام نظریه‌پردازی مشوق ایده‌پردازی و خلاقیت و آزاداندیشی است، لذا در مقام ارائه فرضیه و نظریه‌پردازی به همه احتمالات باید توجه داشت و همه گزینه‌های محتمل را لازم است بررسی نماییم. نتیجه اینکه نباید از طرح برخی احتمالات و شبهات جلوگیری نمود و در برابر آنها موضع‌گیری نمود. هر نوع حساسیت در برابر ارائه نظریه‌های مختلف و جزم‌اندیشی می‌تواند مانع رشد ایده‌های جدید شود.

با توجه به این حقیقت رویکرد اسلامی رویکردی واقع‌بینانه و ناظر به واقعیت است و از این منظر اقناع عمومی و قابل فهم و اندازه‌گیری کردن مفاهیم اهمیت فوق‌العاده‌ای خواهند یافت. علاوه بر این، نمی‌توان موقعیت کنونی جامعه و به بیان اقتصادی نقش زمان و مکان را در شکل‌گیری واقعیت و فهم متغیرهای تأثیرگذار و سنجش پارامترهای ساختار یک الگو نادیده گرفت^{۲۵}.

۳-۱-۴. آزمون فرضیه، ارزیابی اثربخشی و پیش‌روی برنامه

در روش‌شناسی اقتصاد اسلامی نیز می‌توان از روش‌های آزمون متعارف استفاده نمود. این امر منوط به این است که بتوان تفسیر تجربی از نظریه‌های علمی اقتصاد اسلامی ارائه داد و این مهم زمانی ممکن است که در گزاره‌های دینی بتوان روابط اثباتی را به صورت «اگر... آنگاه» نشان داد که طرف دوم یک پدیده قابل سنجش و محاسبه باشد.

هم قرآن مجید و هم سنت اهل بیت سلام الله علیهم به برخی از متغیرهای اصلی که رفاه و سعادت و یا فلاکت و هلاکت انسان‌ها به آنها بستگی دارد را تصریح کرده‌اند. اشاره به این متغیرها به صورت بیان روابط علت و معلولی در قالب گزاره‌های «الف آنگاه ب» انجام گرفته است که در آنها «الف» عبارت است از هنجار یا نهاد مطلوب و «ب» عبارت است از کمک و نقشی که «الف» می‌تواند در رفاه و سعادت کنونی و آتی همه موجودات بر روی کره زمین، به ویژه انسان‌ها داشته باشد. دقیقاً به همان ترتیبی که تلاش برای توضیح پدیده‌های واقعی منجر به طرح فرضیه‌ها، نظریه‌ها و قوانین می‌گردد، روابط میان «مقاصد شریعت» و انواع گوناگون رفتار فردی و گروهی به علاوه راهبردهای اصلی اقتصاد اسلامی برای تغییر واقعیت غیرمطلوب به واقعیت مطلوب، سازوکار پالایش خواسته‌ها (فیلتر اخلاقی و فیلتر بازار)؛ نظام انگیزشی (تفاوت جوهری نظام اقتصادی اسلامی با سایر نظام‌ها به جهت نظارت درون‌زا و امکان ایجاد سازگاری میان خواسته‌های فردی و اجتماعی)؛ تجدید ساختارهای اقتصادی، مالی و...؛ و نقش مؤثر دولت اسلامی در حاکمیت موازین و تنظیم امور اقتصادی مسلمین - به طوری که در قرآن و سنت نشان داده شده است - می‌تواند به طرح فرضیه‌های ارزشمندی منجر شود. چنین فرضیه‌هایی باید تا جایی که امکان دارد مورد آزمون قرار گیرند تا منجر به اثبات نظریه یا قانون در حوزه علم اقتصاد اسلامی گردند (چپرا، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۳). این آزمون فرضیه‌ها می‌تواند در فهم بهتر قرآن و سنت پیامبر (ص) و امامان (ع) به ما کمک نماید.

در این نظریه‌ها تأثیر یک امر (همانند اجرای عدالت) بر یک پدیده اقتصادی (کاهش فقر) مورد بررسی قرار می‌گیرد.^{۲۶} این نظریه‌ها به اقتصاددانان کمک می‌نمایند تا به نحو کارآمدتری توضیح و پیش‌بینی و متقاعدسازی را انجام دهند و با اطمینان بیشتری اقدامات و توصیه‌های لازم برای گذر از «آنچه که هست» به «آنچه که باید باشد» را ارائه نمایند. برای آزمون قضایا و گزاره‌هایی که به روش فوق به دست آمده‌اند به سوابق تاریخی، داده‌های آماری در دسترس از گذشته و نیز زمان حال جوامع اسلامی و غیراسلامی تمسک می‌شود. آزمون قضایا به وسیله این واقعیت‌های تجربی و تاریخی، به بنیان‌گذاری نظریه‌های علمی می‌انجامد.

آزمون فرضیه‌ها، حتی فرضیه‌هایی که از قرآن و سنت برگرفته شده‌اند، جزء لاینفک سنت اسلامی بوده است و قرآن خود بر چنین آزمونی تأکید می‌ورزد. آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که انسان‌ها را ترغیب می‌نماید تا به سوابق تاریخی تمدن‌های پیشین که حقانیت و درستی نظریه‌های هنجاری و دستوری را کتمان و تکذیب کردند توجه نمایند. در قرآن مجید می‌خوانیم: «فسیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین» (آل عمران: ۱۳۷). این آیه به علاوه شمار دیگری از آیات، به وضوح نشان می‌دهند که قرآن نظریه‌های هنجاری خود را قابل آزمون در بوته واقعیت می‌داند.

آزمون فرضیه‌ها در طول تاریخ مسلمین از پذیرش گسترده‌ای برخوردار بوده است. ابن‌خلدون بر این باور بود که حتی در حوزه علوم اجتماعی روابط علت و معلولی را می‌توان با توسل به شواهد تاریخی مورد آزمون قرار داد. وی ۴۰۵ مثال تاریخی به‌عنوان شواهدی برای اثبات فرضیه‌اش ذکر کرده است و ادعا نموده است که «آینده شبیه گذشته است به همان گونه که آب، همیشه آب است». وی از نخستین کسانی بود که ادعا می‌کرد (ابن‌خلدون، ۱۳۸۶، ص. ۴۱) «به‌نظر می‌رسد پدیده‌های اجتماعی از قوانینی تبعیت می‌نمایند که اگرچه همچون قوانین حاکم بر پدیده‌های طبیعی مطلق و قطعی نیستند، اما آن اندازه ثابت هستند که بتوان رویدادهای اجتماعی را در قالب آنها به‌صورت قواعد و الگوهای تعریف شده ملاحظه کرد. بنابراین، مجموعه‌ای از این قوانین جامعه‌شناسان را قادر می‌سازد که روند رویدادها و پدیده‌های اطراف را بتوانند شناسایی نمایند».

همچنین ابن‌خلدون اعتقاد داشت که «این قوانین را می‌توان با جمع‌آوری شمار زیادی از واقعیت‌ها و بررسی سوابق گذشته رویدادها و مشاهده پدیده‌های جاری به طریق استقرایی کشف نمود».

اقتصاد اسلامی از طریق استدلال منطقی و آزمون تجربی هویت متمایز و جداگانه‌ای از ادبیات فقهی و فلسفی اسلام می‌یابد. بنابراین اقتصاد اسلامی باید آمادگی آن را داشته باشد که مورد جدی‌ترین آزمون‌ها قرار گیرد و هنگامی که شواهد نقض کافی، چه شواهد پیشاتجربی (پیشینی^{۲۷}) و چه شواهد تجربی^{۲۸}، وجود داشته باشد، تئوری‌های «قبلی» را رها نماید.

باید توجه داشت که چنین تأکیدی بر ضرورت آزمون نظریه‌ها به معنای تأیید یا افتادن در دام پوزیتیویسم منطقی نیست. در پوزیتیویسم منطقی همه گزاره‌ها بایستی پوزیتیو(اثباتی) و آزمون‌پذیر باشد و در غیر این صورت هیچ اعتباری ندارند. در اوایل قرن بیستم، فلاسفه پوزیتیویسم منطقی با همین استدلال، گزاره‌های متافیزیکی را مهمل و غیرعلمی می‌دانستند و طرد می‌نمودند. به همین دلیل پوزیتیویسم منطقی نه تنها «شکل افراطی تجربه‌گرایانه است» بلکه «دنیوی، سکولار، ضدالهیات و ضدمتافیزیک است». (خرم‌شاهی، ۱۳۶۱، ص. ۷). البته پوزیتیویسم منطقی اکنون دیگر جای چندانی در فلسفه علم و در میان روش‌شناسان ندارد.^{۲۹} اقتصاد اسلامی به شدت از چنین دیدگاه سکولار و کاملاً دنیاگرایانه‌ای احتراز می‌کند. اساساً نمی‌توان از هر گزاره‌ای انتظار پوزیتیو بودن و آزمون‌پذیری را داشت، زیرا:

۱. آزمون، بدون امکان اندازه‌گیری داده‌ها قابل اجرا نیست. به دلیل خصلت کیفی و فرامادی برخی از متغیرهای بسیار مهم اقتصاد اسلامی، اندازه‌گیری این متغیرها امکان‌پذیر نیست یا بسیار مشکل است..
۲. حتی اگر امکان اندازه‌گیری متغیرها وجود داشته باشد، داده‌های تاریخی و آماری کافی برای اندازه‌گیری و آزمون وجود ندارد.

در حال حاضر برخی از مهم‌ترین نظریه‌ها قابلیت آزمون ندارند، اما در آینده ممکن است برخی از آنها امکان آزمون را پیدا کنند. همان‌گونه که تکنیک‌های اندازه‌گیری و نوع اطلاعات و داده‌هایی که هم‌اکنون قابل دسترسی هستند، برای متفکرانی مانند ابن‌خلدون مهیا نبود و از این‌رو آنها قادر نبوده‌اند برخی از آزمون‌هایی را که ما اکنون قادر به انجام آن هستیم، انجام دهند. از این‌رو، نیازی نیست که اقتصاد اسلامی در به‌کار بردن تکنیک‌های اندازه‌گیری و ابزارهای تجزیه و تحلیلی که توسط اقتصاد مرسوم و دیگر علوم اجتماعی گسترش داده شده‌اند و نیز در قبول برخی از نظریه‌هایی که به بخشی از عقل متعارف^{۳۰} تبدیل شده‌اند، تردید به خود راه دهد. همه این نظریه‌ها ضرورتاً ریشه در پارادایم سکولار ندارند و از این‌رو ضرورتاً در نقطه مقابل ساختار منطقی جهان‌بینی اسلامی قرار نمی‌گیرند (چپرا، ۱۳۸۵، صص. ۱۹۵-۱۹۶).

۴-۱-۳-۱. ارزیابی پیشرفت برنامه

یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی موفقیت الگویی که خود را در معرض آزمون و ارزیابی قرار می‌دهد، ارزیابی پیش روی یا پس روی الگوی نظری طی مراحل پیشرفت یا پس رفت آن است. نکته مهم قابل تذکر در این خصوص این است که قالب‌های روش‌شناسی نظیر روش‌شناسی لاکاتوش مجموعه‌ای از فرضیه‌های مرتبط به هم را مورد آزمون و بررسی می‌کنند و به هیچ‌وجه همانند نظریه‌های تک فرضیه‌ای قرون گذشته مانند: استقرائری، ابزارگرایی و ابطال‌گرایی در پی اثبات فرضیه یا رد آن نیستند، بلکه مهم ارزیابی میزان پیشرفت نظریه در مراحل اجرایی آن است. در این مرحله است که با موفقیت روزافزون نظریه ارکان نظری آن همانند هسته سخت و کمر بند حفاظتی تحکیم می‌یابند و یا با پس روی نظریه اگر امکان اصلاح آن میسر باشد راهبردهای مرتبط با کمر بند حفاظتی مورد تجدیدنظر واقع می‌شوند، یا در نهایت اصول و فرضیه‌های اساسی هسته سخت مورد بازنگری واقع می‌شوند. پیش روی یک برنامه هم به لحاظ نظری و هم تجربه بررسی می‌شود و چنانچه برنامه علمی پیش روی نداشته باشد شاهد درجا زدن یا پس روی آن خواهیم بود.

۴-۲. مسأله ثابت و متغیر (نسبیت) در نظام‌سازی اقتصاد اسلامی

بر اساس آنچه تاکنون مطرح شده، نظریه پردازی در عرصه تبیین و معرفی نظام یا سیستم اقتصاد اسلامی نهایتاً به تبیین مدل مطلوب و ایده آل اقتصاد اسلامی اولاً در مقام نظر و ثانیاً در مقام تطبیق و با ملاحظه مقتضیات زمان و مکان می‌انجامد. هر علمی دارای سه کارکرد: تبیین، پیش‌بینی و تغییر است. بر این پایه نظریه‌های مربوط به حوزه نظام‌سازی اقتصادی به‌طور عمده ناظر به حوزه تغییر است. مکتب اقتصاد اسلامی نگرش کلی و جهت‌گیری‌های اسلام را در حوزه مباحث اقتصادی تبیین می‌کند که بر اساس آن می‌توان به طراحی الگوی مطلوب اقتصاد اسلامی در شرایط ایده آل دست یافت. علم اقتصاد اسلامی عهده‌دار تبیین روابط علت و معلولی میان متغیرها به‌ویژه رابطه متغیرهای ارزشی با پدیده‌های اقتصادی است که بیشتر ناظر به بیان واقع است. اما نظریه‌های حوزه نظام‌سازی عمدتاً ناظر به تبیین راهکارها و روش‌های تغییر واقع موجود به سمت واقع

مطلوب و به عبارت دیگر به تبیین مدل مطلوب اقتصاد اسلامی با ملاحظه شرایط زمان و مکان مورد بحث است.

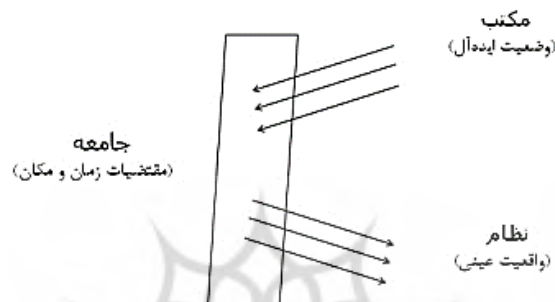
۲-۱. بسته به شرایط بودن تصمیمات در عرصه نظام‌سازی اقتصادی

برخلاف مسائل فردی که از تطور و تغییر چندانی برخوردار نیست، تعاملات جمعی و گروهی همه روزه در تکامل و تغییر است. گاهی شکل این تعاملات تغییر می‌کند، مانند آنکه امروز بسیاری از معاملات دیگر به شکل حضوری انجام نمی‌شود و یا آنکه برخلاف گذشته امروزه قبض و اقباض ثمن و مثن به شکل کاملاً متفاوتی از گذشته صورت می‌گیرد و گاهی ممکن است ماهیت این تعاملات در مقایسه با گذشته دچار دگرگونی شده باشد (اکبری، ۱۳۹۱، ص. ۷).

یکی از زمینه‌های مهم برای حل مشکلات تصمیم‌گیری در نظام‌های ارزش‌محور نظیر نظام جمهوری اسلامی ایران به لحاظ تفکیک میان حوزه نظر و عمل، ضرورت توجه به تفاوت ماهوی مکتب و نظام اقتصادی است. «مکتب اقتصادی» حالت ایده‌آل و بایسته است که براساس دین یا جهان‌بینی تبیین می‌گردد، در برابر «نظام اقتصادی» تصویر و حالت واقعی جامعه‌ای است که به دنبال پیاده‌سازی مکتب اقتصادی اسلام است. همه نظام‌ها براساس جهت‌گیری که برای تحقق مکتب دارند مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. مکتب واقعی غیرقابل تغییر دارد، اما نظام بسته به شرایط زمان و مکان ماهیت‌های مختلفی را خواهد داشت و لذا اقتضانات آن نیز متفاوت است.

به تعبیر آیت‌الله تسخیری^{۳۱} (۱۳۸۷) نظام پرتوی از «مکتب» است، پرتو وقتی به دیوار می‌تابد جنس دیوار در میزان انعکاس نور و شکل سایه تأثیر دارد. در مرحله تطبیق و نظام‌سازی، زمان و مکان در میزان انعکاس پرتوها مؤثرند. در نظام‌سازی آن اندازه از پرتوها استفاده می‌شود که امکان انعکاس دارند. هرکدام که عقلاً امکان تطبیق دارند به کار گرفته می‌شوند. در این حوزه عقل اجتماعی و محتوای قرارداد اجتماعی و ارزش‌های پذیرفته شده و باورهای مردم نقش عمده دارند (عیوضلو، ۱۳۸۷، صص. ۱۳۰-۱۳۲). همچنین می‌توان به تعبیر شهید صدر (۱۴۰۲ق) از منطقه الفراع سخن گفت: «حاکم اسلامی و یا مجتهد اسلامی^{۳۲}، با ملاحظه شرایط جامعه و مبتنی بر صدور حکم در عرصه تطبیق،

مجاز است که از میان گزینه‌های متعدد عقلی و عملی آنچه را که با اصول اسلامی سازگارتر است انتخاب کند». به تعبیر تسخیری: «البته حاکم اسلامی (ولی فقیه) آزاد آزاد نیز نیست، بلکه باید مواظب چراغ‌های نصب شده (چارچوب‌های ثابت نظیر اصل حرمت اکل مال به باطل، اصل لاضرر و...) نیز باشد که همان احکام اولیه‌اند». به بیان نموداری:



شکل (۲): رابطه مقتضیات زمان و مکان با وضعیت ایده‌آل و واقعیت عینی

منبع: یافته‌های تحقیق

امام خمینی (ره) در یکی از مصاحبه‌های خویش در این زمینه می‌فرماید: «در اسلام اصول ثابتی وجود دارد که لایتغیر است اما فروعی هم وجود دارد که قابل تغییر است. اسلام قوانین اساسی اش انعطاف ندارد و بسیاری از قوانینش، با نظرهای خاصی، انعطاف دارد و می‌تواند همه انحای دموکراسی را تضمین کند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص. ۸۳۱). چنان‌که ملاحظه می‌شود ایشان در عین تأکید بر جوانب لایتغیر اسلام، به صراحت به تغییر در احکام نظر داده‌اند. ایشان احکام را به اصول و فروع تقسیم کرده‌اند و ضمن پذیرش ثبات و عدم تغییر در اصول، فروع را قابل تغییر دانسته‌اند (اکبری، ۱۳۹۱، ص. ۵). به همین دلیل فقه سیاسی حضرت امام (ره) که یک فقه معطوف به روابط اجتماعی به‌ویژه در سطح کلان آن است، همواره به جامعه و تعاملات جمعی انسانی توجه دارد و در صدد تبیین احکام و قوانین این تعاملات جمعی است، و نمی‌تواند نسبت به تحولاتی که در این زمینه حادث می‌شود ساکت و منفعل بنشیند. اینجاست که مسأله اقتضانات زمانی و مکانی و فقه المصلحه به حوزه فقه کشانده می‌شود (اکبری، ۱۳۹۱، صص. ۷-۸).

بسیاری از بحث‌هایی که در جامعه ما مطرح است یا ناظر به تبیین مکتب است که تا وقتی میزان تطبیق آن بررسی نشود و به صورت قاعده پذیرفته شده و جزء چارچوب نظام تعریف نشود قابل اجرا نیست، و یا ناظر به واقعیات جامعه و خواسته‌های افراد است که در برخی موارد از احکام و پایه‌های ثابت مکتب اجتماعی اسلامی فراتر می‌روند و جایز نیستند. به این جهت است که برای نظام‌سازی اقتصادی نباید فقط به آنچه اسلام به صورت «باید» مطرح کرده استناد کنیم، بلکه به مقتضیات زمان و مکان و شرایط و زمینه‌های اجرایی آن نیز باید توجه داشته باشیم. در شرایط فعلی، جامعه اسلامی ما تشنه نظریه‌های کارآمد در حوزه نظام‌سازی به‌عنوان دوره‌گذار است که وضعیت متغیرهای اجتماعی و اقتصادی را به سمت اهداف و مبانی تعریف شده مکتب سوق دهد. اما باید توجه داشت این نوع نظریه‌ها هم از جهت ماهیت و محتوی و هم از جهت روش‌شناسی با ماهیت و محتوای ثابت مکتب تفاوت دارند و این مهم شایسته است مورد توجه نظام‌تصمیم‌گیری و نظام فرهنگی جامعه قرار گیرد تا زمینه مناسبی برای رشد و شکوفایی نظریه‌های اقتصادی در چارچوب اصول کلی شریعت اسلام فراهم گردد.

۲-۲-۴. نسبیّت و ضرایب اهمیّت متغیّره‌های تصمیم‌گیری

نکته مهم روش‌شناسی در این زمینه آن است که نظریه‌های مربوط به نظام‌های اقتصادی نهایتاً به انتخاب از میان چند متغیر اقتصادی و یا به بیانی بهتر، به درصد تأثیر هر یک از متغیرهای مورد بحث در نظام تصمیم‌گیری بازگشت دارد. این نوع ضریب‌دهی به متغیرهای مهم تصمیم‌گیری و نسبیّت آنها در کلام ائمه معصومین علیه‌السلام به‌ویژه امیر مؤمنان علی(ع) مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، این جمله حضرت علی(ع) یا دستورشان به مالک‌اشتر را می‌توان شاهد آورد که مبنای هرگونه تصمیم‌گیری در هر نهاد: چه مجلس، چه دولت، چه سازمان برنامه و بودجه و سایر دستگاه‌های اجرایی می‌تواند باشد. سه معیار را ما باید در نظر بگیریم و این سه معیار را با هم ضریب بدهیم: «و لیکن أحب الأمور الیک أوسطها فی الحق» از لحاظ رعایت «حق» حالت وسط، «أعماها فی العدل» از لحاظ عدالت گسترده‌ترین باشد و «وأجمعها لرضی الرعیة»، و از بین گزینه‌های قابل اجرا، گزینه‌ای را انتخاب بکنیم که رضایت توده مردم با آن همراه هست که همان رضایت

حقیقی افراد جامعه است. «فان سخط العامه یجحف برضی الخاصه» اگر عموم مردم ناراضی باشند و خشمگین باشند، اصلاً کل رضایت خواص را به هم می‌ریزند «فان رضی الخاصه یغتفر مع رضی العامه»، ولی اگر خواص ناراضی بشوند این قابل جبران است، چون توده مردم راضی هستند. لذا برای مثال چنانچه این مبنا در نظام‌سازی اقتصادی مبنای نظام تصمیم‌گیری واقع شود، در تمام تصمیم‌گیری‌ها، در تخصیص بودجه، در بحث یارانه‌ها و در زمینه‌های دیگر باید ترکیب این سه معیار را در نظر بگیریم، «حق» را چه‌بسا می‌توان معادل کارایی در تعبیر اقتصادی آن دانست که در اقتصاد اسلامی به معنی «حق مال» شناخته می‌شود، «عدل» هم معیار مهمی است برای تصمیم‌گیری در سطح فرد و جامعه. عدل خود سه معیار دارد: حق برخوردار برای، شایستگی و توازن و بالاخره معیار سوم توجه به «رضایت عامه مردم» است. برای مثال در خصوص توزیع یارانه بنزین اولاً با درصد مشخصی باید به «حق مال» توجه شود. حق مال در مبحثی مانند بنزین این است که بنزین ماده‌ای آلوده‌کننده است لذا لازم است مشمول مالیات شود و نه یارانه؛ از باب معیار عدل شایسته است در توزیع و قیمت‌گذاری بنزین گزینه‌ای انتخاب شود که شمول بیشتری به نفع افراد مستحق داشته باشد و نهایتاً از میان گزینه‌های ممکن گزینه‌ای باید انتخاب شود که رضایت توده مردم در آن گزینه از همه گزینه‌ها بیشتر باشد.

۲-۳. حرکت از متغیرهای ارزشی به متغیرهای قابل اندازه‌گیری

به منظور اجرایی‌سازی و عملیاتی کردن متغیرهای ارزشی اسلامی و ساخت راهبردهای ایجابی (کمر بند حفاظتی، به بیان لاکاتوش)، می‌توان متغیرهای انتزاعی و ارزشی اسلامی را به متغیرهای قابل سنجش و اندازه‌گیری تبدیل نمود. مشابه همین روند در اقتصادسنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای متغیرهای غیرقابل اندازه‌گیری متغیرهای جایگزین و پراکسی در نظر گرفته می‌شود تا قابل سنجش و اندازه‌گیری شود. از همین روش می‌توان برای حرکت از متغیرهای کیفی و ارزشی به متغیرهای قابل سنجش حرکت کرد. برای مثال متغیر «انصاف» قابل اندازه‌گیری نیست، اما به جای آن می‌توان از قیمت‌گذاری به شیوه مارک آپ صحبت کرد که براساس آن در قیمت‌گذاری کالا به هزینه متوسط کالا درصدی منصفانه به‌عنوان «کمسیون» اضافه می‌شود. روشی که در نظام بازار سنتی

اسلامی نیز مرسوم بوده است. به همین ترتیب، برای سنجش «قوم» اقتصادی که به عنوان یکی از متغیرهای مهم تصمیم‌گیری در نظام اسلامی است می‌توان از ایجاد ارزش افزوده حقیقی به عنوان متغیر جایگزین آن استفاده کرد.

بنابر آنچه گذشت، در شرایط فعلی می‌توان به صورت اصولی و علمی به دنبال طراحی نظریه‌های علمی اقتصاد اسلامی در ابعاد تخصصی آن بود و برای تحقق اهداف نظام اقتصادی ایران در چارچوب شریعت اسلام چاره‌اندیشی نمود. در این شرایط به راحتی می‌توان با تعریف و توافق درباره معیارها و شاخصه‌ها در خصوص عملکردها داوری و قضاوت نمود و از پشتیبانی داوری عامه نیز سود جست.

۳-۴. بررسی حجیت و اعتبار گزاره‌های نظام‌سازی اقتصادی

یکی از سنجه‌های مهم برای بررسی اعتبار آنچه به عنوان فرآیند نظریه‌پردازی در عرصه نظام‌سازی اقتصاد اسلامی یاد شد، بررسی حجیت این روش‌ها و فرآیندهاست. در این خصوص همان‌طوری که یوسفی (۱۳۸۵) بیان کرده است می‌توان آموزه‌های اقتصادی اسلام را از کتاب، سنت و عقل استنباط و استخراج کرد. به هر یک از آموزه‌های مستنبط یا باید یقین حاصل شود که مطابق با واقع و نفس‌الامر است یا اگر یقین حاصل نشد، باید حجت عندالله باشد. نخستین دسته از آموزه‌ها، مبانی اعتقادی است. برخی از مبانی اعتقادی با برهان عقلی اثبات می‌شود که یقین‌آور است و حجیت قطع و یقین نیز ذاتی است. و یا به شکل مجموعه‌ای از اصول و قواعد اساسی، احکام اقتصادی، الگوهای رفتاری و در نهایت از نوع اهداف اقتصادی هستند که این موارد نیز به صورت امضا یا کشف زیرینا از روبناهای احکام حاصل می‌شوند و یا جنبه ابداعی و تأسیسی دارند که با تأیید و حکم ولایی حاکم شرع اعتبار می‌یابند.^{۳۳}

سعدی (۱۳۹۵) نیز تأکید می‌کند که این گزاره‌ها نهایتاً باید برای حاکمیت از نوعی حجیت برخوردار باشد، یعنی برای حاکم قابلیت احتجاج داشته باشد. ایشان نهایتاً حجیت گزاره‌های مبتنی بر فقه نظریات را با تأیید ولی فقیه جاری می‌داند و می‌نویسد: «حاکم اسلامی در مقام حکمرانی و اعمال حاکمیت موظف به تأمین مصلحت جامعه است. مصلحت یکی از ضوابط اصدار احکام حکومتی است. مصلحت تأمین‌کننده مشروعیت

حکم حکومتی است و فقیه براساس مصلحت که برآیند انسجام و کارآمدی است به اتخاذ سیاست مبتنی بر نظریه می‌پردازد و مشروعیت و حجیت آن در قبال ذات اقدس الهی را تأمین می‌کند.

با توجه به این تعابیر و نظرات روشن در خصوص فرآیندها و روش‌هایی که در این مقاله بحث شد می‌توان به جمع‌بندی ذیل دست یافت:

۱. آنچه به‌عنوان روابط اثباتی مستنبط از قرآن و سنت در کشف قوانین و قواعد اقتصاد اسلامی مورد بحث واقع می‌شود، از جنس تکوین و کشف نفس‌الامر است که خود امری اعتقادی و از جنس امور عقلی است که حجیت‌آور است.
۲. کشف قواعد اساسی و نظام ارزشی حاکم بر مکتب و نظام مطلوب اقتصاد اسلامی از نوع کشف است که به روش اجتهادی اعتبار شرعی می‌یابد.
۳. آنچه به‌عنوان گزاره‌های سیاستی تأسیس می‌شود کاملاً از روش تأسیس و البته با کمک گرفتن از گزاره‌های اثباتی اقتصاد اسلامی و دلالت‌های کتاب و سنت و رویه پیامبر(ص) و ائمه معصومین(علیهم‌السلام) حاصل می‌شود اولاً، همان‌طوری‌که در بیان تسخیری اشاره شد به‌صورت ارائه مجموعه‌ای از پیشنهادات به ولی‌امر جامعه اسلامی عرضه می‌شود که حجیت و اعتبار آن بعد از تأیید و امضای ولی‌امر حاصل می‌شود؛ ثانیاً، این نوع گزاره‌ها جنبه فرضیه‌ای دارند و در همین حد ارزشمند می‌باشند، اما چنانچه این گزاره‌ها از مقبولیت نسبی برخوردار شوند و در عرصه موفق عمل کنند به تدریج می‌توانند به نظریه قابل قبول تبدیل شوند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مجال به‌اختصار و به‌طور مقدماتی روش و فرآیند حرکت از مبانی نظری و اصول بنیادین اقتصاد اسلامی برگرفته از قرآن و سنت و موازین اسلامی به‌سوی نظریه‌های نظام‌ساز مورد بحث واقع شد و روش‌ها و فرآیندهای لازم پیشنهاد گردید. روش پیشنهادی روش ترکیبی برگرفته از روش سیستمی و کلان‌نگر بود که براساس فقه نظریه، فقه حکومتی و فقه نظامات و فهم جامع از گزاره‌های اثباتی متخذ از قرآن و سنت مرتبط با

اقتصاد از یک سو و ساختار برنامه‌های پژوهشی و روش تحلیلی در نظام‌سازی اقتصادی از سوی دیگر، زمینه لازم برای نگاه سیستمی و نظام‌وار به اقتصاد اسلامی و مسائل آن را فراهم می‌سازد. با تکیه بر این نوع روش‌شناسی در این مقاله، مراحل منطقی و فرآیندهای لازم برای نظریه‌پردازی در عرصه نهادسازی و نظام‌سازی اقتصاد اسلامی معرفی گردید و حجیت این نوع مرحله‌بندی فرآیندها نیز برپایه مبانی اعتقادی و روش‌های کشف و امضا و نهایتاً تأیید ولی‌فقیه و یا مقبولیت نسبی تدریجی در زمان حاضر نشان داده شد. نتیجه بحث این است که اقتصاد اسلامی قابلیت حل مسائل امروز را با شناخت دقیق اصول و مبانی آن و براساس توجه به مقتضیات زمان و مکان و شرایط محیطی عصر حاضر دارد ولی تحقق بخشی و عملیاتی کردن این مدل مفهومی و الگوی نظری در عین حال به خواست و اراده کارگزاران نظام سیاسی و اقتصادی نیز هبستگی دارد که متأسفانه به علت خلاءهای نگرشی و بینشی و یا عدم‌دارا بودن دانش لازم در این خصوص، تاکنون به‌طور رضایت بخش جنبه عملیاتی نیافته است.

یادداشت‌ها

۱. برای نمونه چنانچه به نوشته‌های اوایل انقلاب اسلامی دقت شود، اغلب اصول و ارزش‌های کلی در زمینه اقتصاد اسلامی را بیان کرده‌اند. برای مثال می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد که در همه این نوشته‌ها بیشتر سعی شده خطوط کلی اقتصاد اسلامی به‌عنوان مجموعه نظام ارزشی و نهادی مورد تأکید قرار گیرد:
هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۸). مکتب و نظام اقتصادی اسلام (چاپ اول). تهران: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
۲. مظاهری، حسین (بی‌تا). مقایسه‌ای بین سیستم‌های اقتصادی (جلد ۱). تهران: مؤسسه در راه حق. صدر، محمدباقر (۱۳۵۸). اقتصاد برتر (علی‌اکبر سیبویه، مترجم).
۳. سیستم، مجموعه‌ای از اجزای مرتبط به هم است که اهداف یا ثمرات مشخصی را نتیجه می‌دهد.

3. Imre Lakatos

4. Positivism

5. Falsifiability

6. Hard Core

7. Protective Belt

۸. مزیت مهم کاربردی این رویکرد که در ساختار روش‌شناسی لاکاتوش یا کوهن مشاهده می‌شود این است که در چنین ساختار نظری منشأ نظریه اهمیت زیادی می‌یابد و از این طریق می‌توان رویکرد نهادگرایانه را هم در تحلیل‌های نظری لحاظ نمود. یعنی این رویکرد نگاه پارادیمی به ساختار نظریه دارد و این نگاه به معنی ورود مقام کشف به روش و موضوعیت داشتن آن در امر نظریه‌پردازی است. منظور از پارادایم در اینجا بیان ساختاری مفهومی است که نه تنها مورد اجماع اعضای جامعه علمی است بلکه باید ساختار نهادی موجود در جامعه را نیز پوشش دهد.

۹. توجه داشته باشیم که مقصود ما بیشتر تأکید به ساختار روش‌شناسی است. این ساختار وابسته به محتوای خاص از یک نگرش نیست، بلکه نسبت به آن خنثی است و لذا هر محتوایی در این ساختار قابل بازیابی و پردازش است.

10. Analytical Approach

11. Pure System

12. Ideal Type

13. Discipline

14. Historical Approach

۱۵. برگرفته از جزوات درسی دکتر مسعود درخشان در درس موضوعات اقتصاد اسلامی؛ همچنین دکتر حسین عیوضلو در مجموعه میزگردهای تخصصی پیرامون فلسفه اقتصاد اسلامی.

۱۶. منظور از نظام اقتصادی اسلامی، معرفی‌الگویی است که قابل انتساب به نظام اقتصادی اسلام است و البته این نوع بیان قابلیت خطا هم دارد و رد آن ردی بر نظام اقتصادی اسلام نخواهد بود، بلکه نظریه ارائه شده ممکن است ابطال شود.

۱۷. برای مثال چنانچه این تعریف را به عرصه اقتصادی به‌عنوان یک «نظام» یا به موضوع بانکداری به‌عنوان یک «نهاد پیچیده» تسری دهیم فهم بهتری از ابعاد بحث حاصل می‌شود.

18. Structural Hole

19. Hard Core

20. Logical Structure

21. Structural Hole

22. Soft Core

۲۳. برای نمونه آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی (ره) در کتاب با عنوان «اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن» و حسین عیوضلو در مقاله با عنوان «درآمدی بر ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی» به دسته‌بندی اصول تکوینی و اصول تشریحی و معرفی آن به‌عنوان مبانی اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند.

۲۴. و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

۲۵. و باز در اینجا نمی‌توان از نقش نهادها در شکل‌دهی واقعیت و سنجش مقادیر پارامتریک غافل بود.

۲۶. برای مثال در این جمله امام موسی کاظم (ع) بر همین موضوع تأکید شده است: «لو عدل بین الناس لاستغنوا»: اگر میان مردم به عدالت رفتار شود بی‌نیاز می‌شوند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۵۴۲).

27. Apriori

28. Empirical

۲۹. هسته اصلی پوزیتیویسم منطقی را متفکران «حلقه وین» تشکیل می‌دادند که شامل رودلف کارنپ، موریتس شلیک، هانس رایشنباخ، هربرت فایگل، کورت گودل، هانس هان، فیلیپ فرنک، و اتو نویرث می‌شد. این افراد در سال‌های ۱۹۲۲ میلادی تا اوایل دهه ۱۹۳۰ در وین دور هم جمع می‌شدند و به تبادل نظر درباره فلسفه و مبانی علوم جدید می‌پرداختند. آنها در دوره متأثر از رساله منطقی-فلسفی ویتگنشتاین بودند. از افرادی که ارتباط نزدیکی با این حلقه داشتند، اینشتین و ویتگنشتاین بودند. زمانی که ویتگنشتاین در وین اقامت داشت به درخواست شیلیک در برخی جلسات گروه شرکت می‌کرد. پوزیتیویسم مدتی قابل ملاحظه سنت رایج در «فلسفه علم» بود، اما با ظهور نگرش‌های جدید، و کارهای متفکرانی مانند کوهن و کواین کم‌کم به حاشیه رانده شدند. برخی تحقیقات جدید نشان می‌دهد که تصور شایع درباره پوزیتیویسم منطقی ساده‌نگرانه و غلط است. آیر، از آخرین حامیان پوزیتیویسم منطقی، با اعلام اینکه «هر کار که کردیم نتوانستیم متافیزیک را حذف کنیم»، مرگ پوزیتیویسم منطقی را اعلام کرد.

30. Conventional Wisdom

۳۱. به نقل از عيوضلو، مجموعه ميزگردهای تخصصی پيرامون فلسفه اقتصاد اسلامي (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۷، صص. ۱۳۲-۱۳۰).
۳۲. حتی شهيد صدر در این بحث از اختلاف درک مراجع و مجتهدین اسلامي سخن می‌گوید و همه را اسلامي می‌داند (صدر، ۱۴۰۲ق، صص. ۴۰۳-۴۰۴).

کتابنامه

- آفانظری، حسن، و خطیبی، مهدی (۱۳۹۲). روش‌شناسی فقه نظریات اقتصادی از نظر شهيد صدر. *دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامي*، ۴(۸)، ۵-۲۸.
- اکبری، مجتبی (۱۳۹۱). جایگاه فقه‌المصلحه در فقه سياسي امام خمینی (ره). *فصلنامه فرهنگ پژوهش*، ۳(۱۱)، ۱-۱۵.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۸۶). *مقدمه* (محمد پروین گنابادی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). *هویت علم دینی؛ نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- چالمرز، آلن (۱۳۹۶). *چیستی علم؛ درآمدی به مکاتب علم‌شناسی فلسفی* (سعید زیباکلام، مترجم). تهران: علمی فرهنگی.
- چپرا، محمدعمر (۱۳۸۵). *آینده علم اقتصاد*. چشم اندازی اسلامي (احمد شعبانی مترجم)، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- خرمناهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۱). *پوزیتیویسم منطقی*. تهران: علمی فرهنگی.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۴). *درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد*. تهران: نی.
- سعدی، حسینعلی (۱۳۹۵). *حجیت در اجتهاد نظام‌ساز با تأکید بر آراء آیت‌الله سیدمحمد باقر صدر*. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۹(۳۶)، ۴۳-۶۰.
- شیروانی، علی (۱۳۷۳). *منابع اندیشه مذهبی شیعه* (جلد اول). تهران: شفق.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۳). *الاسلام یقود الحیوة (اسلام راهبر زندگی)* (سیدمهدی زندیه، مترجم). قم: پژوهشگاه تخصصی صدر.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۲ق). *اقتصادنا*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۴). *ایدئولوژی و روش در علم اقتصاد* (محمد قائد، مترجم). تهران: مرکز نشر.

- گلاوس، ج.س (۱۳۷۳). علم اقتصاد؛ پیشرفت، رکود یا انحطاط؟ (محسن رنانی، مترجم). اصفهان: فلاح‌ت ایران.
- عیوضلو حسین (۱۳۸۵). عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷ - الف). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۸(۲۹)، ۳۵-۶۳.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷ - ب). درآمدی بر معرفی ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱(۱)، ۱۳۹-۱۷۳.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷ - ج). قرآن و اقتصاد، مجموعه مقالات دومین همایش پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷ - د). قرآن و اقتصاد و علوم روز. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۷ - ه). مجموعه میزگردهای تخصصی پیرامون فلسفه اقتصاد اسلامی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- عیوضلو، حسین، و کریمی، مجید (۱۳۷۹). اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۸(۷۱)، ۵-۳۷.
- چپرا، محمدعمر (۱۳۸۶). اسلام و چالش اقتصادی (ناصر جهانیان، علی اصغر هادوی‌نیا و سیدحسین میرمعزی، مترجمان). قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- غفوری، خالد (۱۴۲۱ق). فقه النظریه لدی الشہید الصدر. فصلنامه فقه اهل‌البیت، ۵(۲۰)، ۱۲۲-۲۰۲.
- محمدی، عبدالحمید (۱۳۷۹). علم اقتصاد و مسأله شناخت (چاپ اول). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). عدل الهی. تهران: صدرا.
- منذر، قحف (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی (چاپ اول) (عباس عرب‌مازار، مترجم). تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- مهدوی‌کنی، محمدرضا (۱۳۷۹). اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

- میرباقری، سیدمحمد؛ عبداللهی، یحیی؛ و نوروزی، حسن (۱۳۹۵). فقه حکومتی از منظر شهید صدر؛ با مروری بر ویژگی‌های فقه نظامات. فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۹(۳۶)، ۶۱-۸۶.
- نمازی، حسین (۱۳۷۲). مقایسه تأثیر آموزه خداشناسی در شکل‌گیری اصول نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری. فصلنامه اقتصاد، ۱(۲)، ۷۲-۹۸.
- نوراحمدی، محمدجواد (۱۳۸۹). اقتصاد دینی از منظر اندیشمندان مسیحی (چاپ اول). تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- یسری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق). الاقتصاد الاسلامی بین منهجیة البحث و امکائیة التحقیق، المعهد الاسلامی للبحوث و التدريب، جدة: البنك الاسلامی للتنمیة.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۵). روش‌های کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۶(۲۲)، ۱۴۷-۱۷۶.
- Akbari, M. (1391). The Role of Islamic Studies in Political Philosophy of Imam Khomeini, *Research Journal of Research Culture*, University of Bagher-Alulum, 15-1.
- Arab Mazar, Abbas. (1997). "Introduction to Islamic Economics", By: Mangar Qahof, Planning and Budget Organization Publishing House, 26, first edition.
- Aqa Nazari, H, & Khatibi, M., (1379) Methodology of the Religious Jurisprudence of Economic Theories in Terms of Shahid Sadr, *Islamic Economy Knowledge*, 4(8), 5-28.
- Bagheri, K. (2003). "The Identity of Religious Science: An Epistemological View in Relation to Religion and Humanities," Tehran: The Ministry of Culture and Guidance's Printing and Publishing Office.
- Chalmers, A. F., & Hart, J. (1979). *What is This Thing Called Science?: an Assessment of the Nature and Status of Science and its Methods*. Association for the Blind of WA.
- Dadgar, Y. (2005). "An Introduction to the Methodology of Economics", Tehran, Iran.
- Derakhshan, M. (1988). pamphlet Selected Issues in Islamic Economics, Faculty of Islamic Sciences, Imam Sadegh University.
- Eyvazlou, H. (2005). "Challenges of the Decision-Making System in Iran", *Jasmine Cultural Institute Quarterly Journal*, 2.
- Eyvazlou, H. (2006). "Justice and Efficiency in Adaptation to the Islamic Economic System", Imam Sadiq University Press.
- Eyvazlou, H. (2008). "The Quran and Economy", Proceedings of the Second Conference of Qur'anic Studies of the University and the University.
- Eyvazlou, H. (2008). "The Principles and foundations of the Monetary System in Islamic Economics", *Scientific Journal of Islamic Economics*, 29. 63-35.
- Eyvazlou, H. (2008). "An Introduction to the Interview of the Pillars and the Hard Core of Islamic Economics", *Journal of Islamic Economic Studies*, 173-139.
- Eyvazlou, H. (2008). "A set of Specialist Seminars on the Philosophy of Islamic Economics", Monetary and Banking Research Institute.

- Eyvazlou, H. (2008). The Qur'an and the Economics and the Science of the Day", a joint publication by Imam Sadiq University (AS) and the Quranic Studies Foundation and University.
- Eyvazlou, H. (1378). "Sustainable Economics", *New Economy Monthly*, 79, 74-71.
- Khomeini, H. (1378). Sahifeh Imam, Tehran, Institute for publishing the works of Imam Khomeini.
- Glaws JS & Johnson, Economics (1373). Progress, Depression or Decay? Translator: Mohsen Ranani, Falahat Publication, Esfahan.
- Ghafouri, K. (1921). AH, Islamic jurisprudence Ludi alshid al-Sadr, Jurisprudence Ahl al-Bait, 20, 122-202.
- Ibn-Khaldun Abdurrahman (2007). Introduction, Mohammad Parvin Gonabadi , Tehran: Scientific and Cultural Press.
- Introduction of Mohammadi Abdolhamid (2014). Economics and Cognitive Issue, Research Institute of Publications, University of Medical Sciences, First Edition.
- Katouzian, M, A. (1374). Ideology and Method in Economics, Translated. Qaed, Tehran: Publishing Center.
- Khorramshahi Baha'-al-Din (1361). Logical Positivism; Scientific-cultural Publication.
- Kuhn, T. S. (1970). The Structure of Scientific Revolutions. *Chicago: University of Chicago Press Kuhn The Structure of Scientific Revolutions.*
- Mahdavi Kani M, R. (2000). Principles and foundations of Islamic Economics in the Quran, Imam Sadegh University Publication Office.
- Margenau, H., (1966). What is a Theory, in, Sherman Roy, the Structure of Economic Science, Prentice Hall.
- Mirakhor, A., (2005). A Note on Islamic Economics, Islamic Research and Training Institute.
- Chipra, M, O (2006). The Future of the Economics (Islamic Perspective), translation by Ahmad Shabani, Imam Sadiq University Press.
- Chipra, M, O (2007). Islam and the Economic Challenge; Translation: Mr. Nasser Golian, Ali Asghar Hadavinia and Seyyed Hossein Mirmoezi, Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought.
- Motahhari, M. (1372). Justice of Allah, Tehran: Sadra Publication, 1372.
- Namazi, Hossein, "Comparison of the Theological Effect on the Formulation of the Principles of the Economic System in Islam and Capitalism", *Journal of Economics, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University*, 2.
- Naqvi, S, N, H., (1994). Islam, Economics and Society. London: Kegan Paul International.
- Noor Ahmadi, M, J (2010). "The Religious Economy from the Viewpoint of Christian Thinkers", Imam Sadiq University Press, 1st edition.
- Sa'di, H, A (1395). "The Power in the System of Ijtihad with Emphasis on the verses of Allah, Seyyed Mohammad Baqer Sadr", Culture Strategy, year ninth-36.

- Sadr, S, M, B. (1417). "Al-Isalam Yaqud al-Hayat" (Islam Leader of Life), Translated by Seyyed Mehdi Zandieh, Sadr Research Institute, Dar al-Sadr Publications.
- Sadr, S, M, B. (1417). "Our economics", Office of Islamic Prophecy, Qom.
- Shirvani, A. (1373). "Shi'a Religious Thinking Resources", Shafagh Publication, First Edition.
- Silberberg, E., (1990). The Structure of Economics .2nd ed, N.Y.: Mc Graw Hill.
- Vasael, D. (1396). the Written Version of the Specialized Base of Governmental Finance Law, 1.
- Yasseri, Abd al-R (1999). "Islamic economics between the study and the feasibility of research," Almahad al-Islami Lilbohous and al-Tadrib, Jeddah, al-Banak al-Islami Liltanmih.
- Yousefi, A. (2006). Methods of Discovering the Islamic Teachings, Quarterly Journal of Islamic Economics, 22, 176-147.
- Zarqa, A., (1998). Methodology of Islamic Economics, (Printed in) Lessons in Islamic Economics, (ed. by) Monzer Kahf, Islamic Research and Training Institute.

